

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست

- ۲..... یادداشت سردبیر
- ۳..... تجربه نهضتی ها
- ۹..... خدمات اجتماعی
- ۲۲..... خیریه
- ۳۲..... قرض الحسنه
- ۳۶..... کشاورزی و دامپروری
- ۴۷..... کسب و کار
- ۵۱..... محیط زیست



نخستین انجمن جوانان
استان گیلان

تهیه کننده : نهضت اجتماعی جوانان استان گیلان

سردبیر : محمد شاکری

گردآورنده : کامیار بهفر

*این مجله غیر قابل فروش می باشد!



گیلان گام دومی چگونه خواهد بود؟

موج مهاجرت ها و عدم تعلق به مکان از نمادهای این وضعیت است. حالا با درک این دو گذاره باید به گیلان آینده و گام دومی اندیشید و از ضعف ها قدرت ساخت. انسان جدید در اوج خودشناسی نسبت و یگانگی خود را با طبیعت می بیند و رویای خود را در روستا می سازد و این همان نقطه ای است که می توان از آن برای آینده گیلان بهره برد و با بازسازی اجتماعی و اقتصادی، انسجام اجتماعی را ارتقا بخشید.

موفقیت نهضت اجتماعی و گروه های مردمی در عرصه های آن در گرو ترسیم این رویا و نقش آفرینی در تحولات اجتماعی است پیامبر عظیم الشان اسلام می فرماید: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفْحَاتٍ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ لَعَلَّهُ أَنْ يُصِيبَكُمْ نَفْحَةٌ مِنْهَا فَلَا تَشْقَوْنَ بَعْدَهَا أَبَدًا» همانا از سوی پروردگار شما در طول عمرتان نسیم هایی می وزد، پس خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که نسیمی از آن نفحات به شما بوزد و زان پس هرگز به شقاوت نیفتید.

محمد شاکری

برای حرکت و فعالیت اجتماعی خصوصا با نگاه نهضتی که داعیه و دغدغه به دنبال میدان آوری مردم و حل مشکلات کشور را دارد باید چند نکته را مدنظر قرار داد و براساس آن برنامه ریزی نمود:

- ۱- چالش ها، معضلات و ظرفیت ها، استعدادها و قابلیت های اجتماعی استان
- ۲- روند کلی حرکت اجتماعی جامعه جهانی و بالطبع آن جامعه ایرانی که در رفتار نسل های نو پدیدار شده است.

استان گیلان با وجود آب و هوای مطلوب و نیروی انسانی نخبه و پیشران با معضلاتی چون پیری جمعیت، کوچک شدن زمین های کشاورزی و غیر اقتصادی شدن بخش عمده ای از دامداری و کشاورزی استان، بی میلی نسل جدید به مشاغل سنتی در اثر آموزش های غیرمرتبط و کم رنگ شدن هویت بومی و محلی روبرو است. این وضعیت خود منجر به توسعه آسیب های اجتماعی از طلاق و اعتیاد تا مصرف مشروبات الکلی شده است. در فضای کلی جهان که نسل نو ایرانی را نیز به سبب توسعه ارتباطات دربرگرفته است پس از یک قرن جمع گرایی بشر تمرکززش را بر توسعه فردیت و توسعه فردی گذاشته است.

هزار راه رفتم

تجربه رابطین نهضت در شناسایی، ظرفیت یابی و تکثیر گروه های مردمی





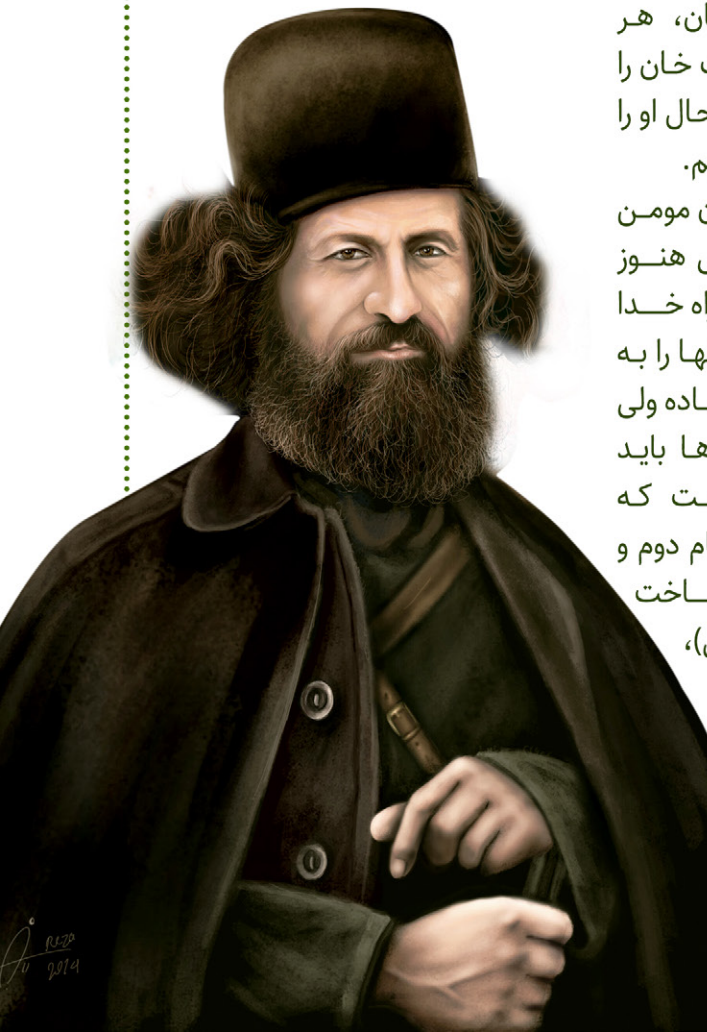
محمد پورزفیه

مسئول نهضت اجتماعی استان گیلان

استان سرسبز گیلان بیش از ۲/۵ آنان به این دیار و پذیرش میلیون نفر جمعیت دارد که امامزادگان عزیزمان گرفته تا تقریباً نیمی از مردم در روستاها دوران مغول که تنها منطقه ای در زندگی می‌کنند این استان دارای کشور بوده که مستقل مانده هویت قومی مشخص از قوم است. مردم گیلان مجاهدین گیلک و تالش می‌باشد، البته بسیاری را به خود دیده‌اند، این مردم، مجاهدت‌های رهبر انقلابی ها مانند ترک، کرد، تات و کرمانج جنبش جنگل، شهید میرزا کوچک هم در برخی نواحی استان زیست را فراموش نخواهند کرد، همین می‌کنند. بارندگی متوسط بس که حضرت آقا در مورد این سالانه بین ۱۲۰۰ تا ۱۸۰۰ میلی‌متر در طول خط ساحلی متغیر است، در دوران مبارزه خودمان، هر به همین دلیل به استان باران وقت نام میرزا کوچک خان را مشهور می‌باشد. اقتصاد گیلان، به یاد می‌آوریم و شرح حال او را بر پایه کشاورزی، دامداری، می‌خواندیم، نیرو می‌گرفتیم.

صید ماهی، گردشگری و پرورش امروز نیز گیلان، جوانان مومن زنبور عسل و کرم ابریشم استوار و انقلابی کم ندارد ولی هنوز است. مهمترین محصولات خیلی از مجاهدین در راه خدا استان شامل برنج، چای، ماهی، نرفتن سراغ آنها، تا آنها را به زیتون، کیوی، بادام زمینی، قیام دعوت کنند. کار ساده ولی صنایع دستی می‌باشد. البته دشواری که نهضتی ها باید شهر صنعتی رشت نیز با ۲۸۰ انجام دهند؛ این است که واحد صنعتی یکی از پنج شهر بعد از فهم گفتمان گام دوم و صنعتی بزرگ ایران است. سخنرانی ۹۸/۰۳/۰۱ و شناخت

سنت مقاومت در برابر دقیق از صحنه (شناسایی)، اشغالگران موضوعی تکراری در مستعدین (جمع‌های نوشته‌های نویسندگان و تاریخ ایمانی) را با همان نگاران محلی و ملی‌گرا بوده، از گفتمان به کنشگران هجوم خلفای عباسی و عدم ورود اجتماعی، و کنشگران





مسیر مهمترین امر، گفتمان‌سازی است است که حضرت آقا به درستی به آن اشاره کرده اند. تا زمانی که نتوانیم گفتمان حلقه های میانی را تا دل روستاها و محلات شهری ببریم، این کار پیش نخواهد رفت. جملات عملیاتی که رهبری در رابطه با راهکار عملی برای حرکت عمومی بیان فرمودند، هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه، اگر از هرکدام از آنها غفلت کنیم ناکام خواهیم ماند. الحمدلله به همین دلیل نهضت اجتماعی جوانان تمرکز خود را بر چند موضوع اجتماعی گذاشته و مسئول استان حداقل دهر روز در ماه به شهرستان‌های مختلف سفر دارد تا اینکه اتفاقی به دست حلقه های میانی بیفتد.

اگر بخواهم گزارشی از وضعیت استان بدهم، تمام ۱۷ شهرستان های استان ما حلقه های میانی عام به معنی رابط شهرستان را دارند، عزیزان ما در شهرستان ها به دنبال تکمیل حلقه های میانی خاص در عرصه های نهضت اجتماعی جوانان هستند. شهرستان رشت را به پنج منطقه در مرکز شهرستان که مطابق با تقسیم بندی شهرداری بوده و توابع شهرستان رشت را به ۴ منطقه کوچصفهان و لولمان، سنگر و سراوان، لشت نشا و خشکیجار، و پیربازار تقسیم کرده ایم. درحال شناسایی نیروها و توجیه آنها نسبت به مبانی نظری و روند اجرایی کار برای به میدان آوری مردم در آن مناطق هستیم. الحمدلله به تعدادی از نفرات متعهد در این مناطق رسیده ایم که اول کار بوده و درحال شناسایی و محله بندی مناطق خودشان هستند.



معاونین استانی، درحال تکمیل کردن شبکه موضوعی خود به کمک رابطین شهرستان‌ها هستند که این شبکه موضوعی از عرصه های نهضت بوده و باید تا دل محلات برود. و آنها هستند که مسئولیت تکثیر و زیاد کردن عناصر کنشگر و گروه های مردمی در میدان را بر عهده دارند.

ما امید داریم که آرزوی رسول اکرم (ص) محقق خواهد شد، انشاءالله بتوانیم به کمک همسنگران خود در شهرها و شهرستان های استان، مردم مومن و متدین را پای کار حل مسائل خودشان بیاوریم در آن حالت جامعه به سمت اسلامی شدن خواهد رفت و تمدن نوینی که آقا می‌فرمایند، تحقق خواهد یافت.



مهدی دارابی

تجربه تکثیر

رابط نهضت اجتماعی جوانان شهرستان آستارا

های رایگان و سایر تخصص ها نیز به همین منوال ، البته در ارائه خدمات عمومی و کمک های مردمی و فعالیت های اجتماعی در امورات و عرصه هایی که تخصص آن چنانی نیاز ندارند ، هر شخص علاقمند می تواند نقش داشته باشد. مثال دکتر متخصص هم می تواند خرید جهیزیه نوعروس نیازمند را انجام دهد، ثانیاً بنده در تکثیر گروه های مردمی، بعد از شناسایی نفرات علاقمند



با شخص مدنظر صحبت کرده و ضمن گفتن ضرورت به میدان آمدن ایشان جهت ایفای نقش مثبت و ماندگار و نفع رسانی به دیگران جهت رضای خدا بعنوان یک شخص مسلمان و ایرانی ، توانمندی ها و نقاط قوت همان شخص را با ظرافت خاصی به ایشان بازگو نمودیم، گاهاً خود اشخاص از کاری که می توانند به جامعه و مردم داشته باشند، مطلع نیستند و با بازگو نمودن ایجاد انگیزه در وی علاقمند و با انگیزه به تشکیل گروه های مردمی در عرصه های مختلف خدمات رسانی می شوند.

اینجانب مهدی دارابی اهل و ساکن شهرستان آستارا. قبل از نهضت اجتماعی جوانان از سال ۱۳۹۳ مؤسس و سرپرست گروه جهادی شهید حاج علی فارسی در شهرستان آستارا بودم و با ادبیات به میدان آوری مردم در انجام کار مردم و مشکلات مناطق محروم و نیازمندان آشنایی داشتم ، بحمدالله بعد از شروع به کار نهضت اجتماعی جوانان در سراسر میهن اسلامی که از اقدامات مهم اجتماعی در گام دوم انقلاب محسوب می شود ، فعالیت خود را با اهداف نهضت اجتماعی جوانان در شهرستان آستارا شروع کردیم. روش کار بنده در تکثیر گروه های مردمی به این شیوه است ، اولاً بنده اعتقاد به صنفی سازی و تخصصی نمودن گروه های مردمی هستش ، یعنی آن دسته از نفرات علاقه مند و افاده گری که اشتیاق خدمت به مردم محروم و عمران کشور ایران اسلامی را دارند در حوزه تخصصی و صنفی



خود ارائه خدمات دهند ، برای مثال معلم در بحث آموزشی و فرهنگی ، مهندس در امورات تخصص و فنی خود، دکتر در بحث ارائه خدمات پزشکی، وکیل دادگستری در بحث ارائه مشاوره



تجربه

هادی احمدی پناه

رابط نهضت اجتماعی جوانان شهرستان فومن

مسئولین شهر پای کار مجموعه‌ها و مردم می‌آمدند؛ چون عنوان مراسم ما شده بود جشن بزرگ ۱۰ هزار نفری، شهر ما حدوداً ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد هم شرایط فضا سازی برای جشن بحث تبلیغ و ... باید آماده می‌شد و هم جنبه‌های امنیتی و باقی مسائل



باید دیده می‌شد خداروشکر با پای کار آمدن مسئولین و تسهیل کردن شرایط برای شب نیمه شعبان سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۰ هزار نفر از مردم شر آمدند. طوری که حدوداً ۶۰۰ نفر خادم در مواکب خدمت می‌کردند و از مردم پذیرایی میشد. برنامه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و پذیرایی در همین جشن باعث شد که بسیاری از مردم با هر توانی که داشتند به کمک مواکب داران آمدند و شاید بتوانیم بگوئیم که بسیاری از جمعیت عام هم داخل کار شریک شدن هماهنگی بین مجموعه‌ها و دستگاه به حدی خوب و لذت بخش بود و باعث این شده بود که مردم استقبال کنند که تا مدت‌ها در جلسات مختلف استانی و شهرستانی بعنوان یک الگوی موفق نقل محافل و جلسات بود طوری که شبکه استانی سیما ۳ ساعت پخش زنده از مراسم را داشت و شبکه‌های ملی یک و سه هر کدام چندین دقیقه پوشش زنده دادند. در تجربه اول ما خیلی از ضعف‌ها را پیدا کردیم مثل اینکه

اینجانب هادی احمدی پناه هشتم از شهرستان فومن استان گیلان. جریان نیمه شعبان در شهر ما پدیده عجیب و منحصر به فردی بود و متأسفانه دچار ابتدال هم شده بود به صورتی که استفاده از المان‌های مذهبی در این جشن مذهبی بشدت کم شده بود. سال ۱۴۰۱ بعد از اینکه جریان فتنه زن زندگی آزادی کمی مهار شد و وقتی فهمیدیم و زمزمه‌هایی رو شنیدیم که افرادی که قبلاً در شهر جشن نیمه شعبان برگزار می‌کردند، نمی‌خواهند مراسم بگیرند و اینکه به نحوی می‌خواهند خود را سیاسی‌کنند. با چند نفر از دوستان که سالیان زیادی را به همراه هم‌دیگر در شهر کارهای جمعی و مشترک انجام دادیم نشستیم و طرح موضوع کردیم و بعد از جریان جشن غدیر تهران که تجربه یک کار مردمی بود در سال اولش که تحسین حضرت آقا را هم به همراه داشت با الگو گرفتن از این حرکت و فراخوان عمومی حدوداً ۱۹ مجموعه فرهنگی، مذهبی، اجتماعی دورهم جمع شدیم و همان خیابانی که جشن در سال‌های قبل به صورت غیرمذهبی و بعضاً ناهنجار برگزار میشد را انتخاب کردیم و سراغ مسئولین شهر رفتیم. الان زمانی بود که باید



هوای پذیرایی بیش از ۱۵۰۰۰ نفر در شرایط سخت جوئی انجام شد. از غرفه‌های متنوع فرهنگی، نوجوان، مسابقه، کودک، غرفه‌های ویژه خواهران عفاف، حجاب، مشاوره، خدمات اجتماعی، غرفه

نمایشگاهی تبیین گام دوم منویات مقام معظم رهبری توسط نهضت اجتماعی استان ابتکار جالبی بود که دوستان استان انجام دادند و بازخورد خیلی خوبی داشت. در این مراسم که به صورت مستقیم بیش از ۱۰۰۰ نفر در مواکب به خدمت‌رسانی مشغول بودند و بیش از ۳۰۰۰ هزار نفر بانی این جشن مردمی بودند و از جهت هزینه بیش از ۹۰ درصد هزینه‌ها کاملاً از مسیر مردمی جمع‌آوری و خرج مواکب و

پذیرایی شد ان‌شاءالله یکی از اهداف دوستان ما این هست که بتوانیم این مراسم را در استان بصورت الگوی مردمی معرفی کنیم و در شهرهای دیگر هم مجموعه‌ها و گروه‌های مردمی بیایند و در عرصه‌های مختلف باعث بمیدان‌آوری مردم بشوند و از این نیروی عظیم استفاده مناسب صورت بگیرد.

میتوانستیم بدنه مردمی کار را بیشتر کنیم و با ظرفیت‌هایی که شناسایی کرده بودیم بر این باور بودیم که جشن سال ۱۴۰۲ را خیلی بزرگتر و مردمی‌تر برگزار کنیم و نقاط ضعف را پوشش بدهیم و

شرایط برای سال ۱۴۰۲ طوری رقم خورد که تعداد مجموعه‌های مردمی و موکب‌ها به بیش از ۳۰ موکب رسید. خود دستگاه‌های حاکمیتی چه نظامی، امنیتی و خدماتی خودشان پا پیش گذاشتند برای اینکه بتوانند شرایط را تسهیل کنند گفتند کجا و چه کمکی می‌توانیم انجام دهیم. شهرداری، اداره برق، اداره صنعت و معدن، آتش‌نشانی، نیروی انتظامی و راهور و سپاه و بسیج و خیلی از نهادها و

دستگاه‌های دیگر. کار به صورتی ریل‌گذاری شد که دستگاه دولتی نقش حمایتی داشتند و هدایت ماجرا دست مجموعه‌های مردمی بود. فرماندار مسئولین شهر را ملزم به همکاری با نیروی مردمی کرد و هدایت جریان دست دوستان مجموعه‌های مردمی بود. در جشن سال ۱۴۰۲ با توجه به بارندگی و برودت





علیرضا توفیقیان

تجربه نهضتی

معاون عرصه تخصصی کشاورزی و دامپروری استان



کشاورزی و بعضی ها دامپروری ولیکن این مقوله جدایی ناپذیر زندگی روستایی در سطح استان است، به واسطه اینکه روستاها کنار هم چسبیده به هم با تنوع پوشش‌هایی گیاهی و با آب و هوایی که وجود دارد بحث دامپروری و گسترشی که وجود دارد در سطح استان. ما پایلوت را که بخواهیم در نظر بگیریم و توصیه بکنیم به مسئول عرصه کشاورزی و دامپروری در شهرها و شهرستان‌ها این هست که پایلوت مساجد را در نظر بگیرند و جمعیت نمازگزاران که همه‌ی آنها کشاورز و دامپرور هستند را با سیستم و یا آن موضوعیت جمع ایمانی بپذیرند و مباحث نهضتی را و یا همان شروع تابنتشان را با معرفی الگوهای موفق در حوزه‌ی کشاورزی و دامپروری، اینهایی که وجود دارند و اینکه شما فیلم‌های آنها را گرفتید اینها را معرفی بکنند و اینها را بتوانند بشناسانند و با این قدرتی که وجود دارد در الگوهای موفق بتوانند این جمع ایمانی را بتوانند بیاورند در نهضت و نتیجتاً به گروه سازی و تکثیر و عملیات ختم شود.

این پایلوت قرار دادن مساجد در عرصه کشاورزی به این خاطر است که بچه‌ها در عرصه کشاورزی نسبت به سایر عرصه‌ها تو بحث گروه‌ها دستشان بسته است، شما مثلاً در عرصه خدمات اجتماعی گروه‌های جهادی را می‌بینید که شناخته شده هستند، سیستمی هستند یا حالا غیرسیستمی یا غیرسازمانی هستند، ساختار دارند و تشکیلاتی پشت آنها است و یا عرصه خیریه‌ها یا ساختار نظام‌مند پشت آنها است و حالا در عرصه محیط زیست

ویژگی خاصی که در عرصه کشاورزی در این استان وجود دارد بحث آب‌وهوا و زمین مساعد برای کشاورزی است و انواع کشت و زراعت انجام می‌شود. از گیاهان دارویی گرفته تا درختان میوه و چه بحث زراعی. شما بحث ظرفیت سازی که بخواهید انجام بدهید که آن پنج گام اصلی را دارد مثلاً شما تصور بکنید در یک حوزه‌ای هستید یا داخل شهرستانی هستید یا در محله‌ای هستید بخواهید ظرفیت سازی و گفتمان را شروع بکنید وارد یک مسجد بشوید و یک گفتمانی ارائه بدهید. همه آنها کشاورز هستند و زمین کشاورزی دارند حالا چه در سطح گسترده هستند یا سطح محدود، لیکن کشاورزند. حالا برای ورود اینها و برای این موضوع چه راهکاری می‌شود پیشنهاد داد و چطور ما بخواهیم عمل بکنیم این چیزی است من خدمتتان توضیح خواهم داد.

برنامه ما برای عرصه کشاورزی در سطح استان، برای شهرستان‌ها و برای مسئولان عرصه کشاورزی این هست که ما به هر حال یک زمینه گفتمانی و چنین گفتمانی داشته باشیم، با توجه به شرایط استان از قبیل زراعت، خود بحث کشاورزی، دام پروری یا حالا کارهایی که دارد انجام می‌شود، اگر بخواهیم جامعه شهری را کنار بگذاریم و جامعه روستایی را برای شروع هدف گذاری کنیم به این واسطه که جامعه روستایی همه‌ی آنها درگیر کشاورزی و دامپروری هستند، حالا بعضی‌ها



هم همینطور است ولی کشاورزی اینجوری نیست که بخواهید در سطح شهرستان یا در سطح مناطق یا محلات بخواهید پیدا کنید. نتیجتاً کار پایلوتی که می‌شود انجام داد همین مساجد را به عنوان الگو استارت یا شروع کار در نظر گرفت و ما این توصیه داریم برای مسئولان عرصه کشاورزی در سطح شهرهای استان گیلان، که این حرکت را در بحث گفتمان می‌توانند انجام بدهند در بحث گفتمان و اگر نه ما اصلاً فقط تمرکز خودمان را بخواهیم فقط برای اصلاح یک بذری یا یک درخت مثمر یا بحث نژادهای دام بگذاریم این مقوله ربطی نهضت نداریم و دوستان باید این را در نظر داشته باشند که وظیفه نهضت چی هست و ما باید چه کاری انجام دهیم.

لذا این توصیه‌ای بود که بنده حقیر روی آن فکر کردم و می‌خواستم به عنوان یک پک و یک مجموعه برای مسئولان عرصه کشاورزی در سطح استان معرفی کنم و بگم خدمتشان.

دستیار

تجربه گروه های مردمی در حوزه خدمات اجتماعی و آسیب های اجتماعی



روایت حسین کریمی

مسئول گروه جهادی طلاب آستانه اشرفیه

انجام می‌دهد. در مساجد که حضور داریم سخنرانی می‌کنیم و مردم را با مشکلات و مسائل محرومین آشنا می‌کنیم. و بدین وسیله منابع و امکانات را جذب می‌کنیم. چند تا مسجد که در آن حضور داریم زمینه جذب را برای گروه ما فراهم آورده است. ما به دنبال اشتغال‌زایی برای محرومین از طریق راه‌اندازی تولید هستیم. پرورش مرغ خانگی ۴۵ روزه یکی از

طرح‌های ما بوده که باعث خودکفایی تعدادی از خانواده‌ها شده است. تعدادی دستگاه جوجه‌کشی را هم تهیه کرده‌ایم که ۶-۷ نفر از این طریق خودکفا شده‌اند. بعضی از همین افراد الان به مجموعه کمک می‌کنند. باتوجه به نعمت‌های خدادادی استان پرورش طیور مقرون به صرفه است که زمینه رفح محرومیت افراد را فراهم آورد فقط باید انگیزه بخشی و

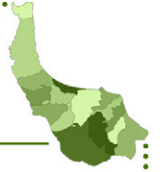
هدایت شغلی در دستورکار قرار گیرد. برای همین ما تولید، بازاریابی و فروش را به افراد آموزش می‌دهیم. پرورش بوقلمون، غاز محلی و جوجه یک‌روزه از دیگر رسته‌های ترویج شده است. مهم‌ترین دلیل موفقیت هر گروه، همدلی است. اختلاف سلیقه زمینه‌ساز رشد است ولی همدلی و محبت گروه را حفظ و توسعه می‌دهد. برای شروع کار جهادی باید یک تیم ورزیده، آگاه، انقلابی، آتش‌به‌اختیار و خوداتکا را جمع کرد. تنها با کمک و مشارکت مردم خیلی قدم‌ها می‌توان برداشت حتی کارهایی که به‌نظر نشدنی می‌رسد، شدنی می‌شود نه با چشم دوختن به دست ارگان‌ها و نهادها؛ بنابراین هسته اول و درست انتخاب شدن افراد مسئله اصلی در ساخت گروه است.



اینجانب حسین کریمی ۳۲ ساله دارای تحصیلات حوزوی و مسئول گروه جهادی طلاب آستانه اشرفیه استان گیلان هستم. تأکید مقام معظم رهبری بر محرومیت‌زدایی، تألیف قلوب بین مؤمنین، آشنا کردن جامعه محرومین با مبانی انقلاب اسلامی انگیزه‌ای بود که در سال ۱۳۹۸ منجر به تشکیل این گروه شد. مسائل

مربوطه به بحران کرونا سبب شد پرداختن به امور معیشتی مردم در اولویت قرار بگیرد بنابراین توزیع بسته‌های کالاهای اساسی در طول این سال‌ها توسط گروه انجام شده است. توزیع لوازم التحریر و منسوجات مورد نیاز دانش‌آموزان در آغاز سال تحصیلی از دیگر اقدامات گروه می‌باشد. تأمین جهیزیه نوع‌روسان نیازمند در حدوسح مجموعه صورت‌گرفته

است. ساخت و بازسازی خانه محرومین و کسانی که پروژه نیمه‌کاره داشتند هم در دستورکار ما بوده است. یکی از فعالیت‌های ما رفح اختلاف بین زوجین است که این کار را با استفاده از ریش سفیدان و بزرگ‌ترهای هر محله انجام می‌دهیم. گروه ما ۳۰ نفر عضو دارد که به‌طور مستمر فعالیت می‌کنند البته در انجام خدمات و پروژه‌ها افراد دیگری هم به‌طور موقت دخیل می‌شوند. منابع مالی فعالیت‌های گروه توسط مردم تأمین می‌شود و مردم به غیر از تأمین پول خدمات رایگان هم ارائه می‌دهند مثلاً فرد برق کار هست، برق کاری ساختمان را انجام می‌دهد یا کاشی‌کار هست، کاشی‌کاری ساختمان محرومین را به‌رایگان



حسین رضایی

روایت

مسئول گروه جهادی شهید سید رضا ابراهیمی املش



قوت ادامه دادیم. در کمک‌هزینه‌ی تأمین تجهیزیه‌ی نوعروسان ورود کردیم و بسته به توان مان بخشی از بار را تقبل کردیم. ما در زمان کرونا ۵۵ نفر نیرو داشتیم ولی با کم‌شدن فعالیت‌ها ریزش داشتیم. برای تأمین منابع هیأت و گروه جهادی معمولاً وابسته به کمک خیرین و مردم هستیم. تا اینکه در بهار سال ۱۳۹۸ ما حساب کردیم در سه ماه ۱۲۰ میلیون هزینه کرده‌ایم و با وجود این مبلغ خوب الان هیچ مبلغی در حساب نیست. بنابراین به فکر ایجاد منابع پایدار افتادیم. ۹ طرح، ۴ طرح تأیید شد. با مشورت بزرگ ترها ۴ هزار متر باغ کشاورزی خریدیم که با پول پرتقال و چای این زمین بخشی از هزینه‌های هیأت و گروه جهادی را تأمین می‌کنیم. ما در کارهایمان همیشه مشارکت مردم را داشته‌ایم به‌طور مثال قرارگاهی را برای بخش فرسوده حاشیه شهر داشتیم که امکانات و وضعیت آن از روستا هم کمتر بود، وقتی آنجا مستقر شدم

اینجانب حسین رضایی طلبه‌ی پایه‌ی ده مسئول گروه جهادی شهیدسیدرضا ابراهیمی شهرستان املش استان گیلان هستم. ما اول یک هیأت بودیم که در کنار آن شروع کردیم یک گروه جهادی را راه‌اندازی کنیم. از قبل کرونا در حوزه‌ی مسکن محرومین فعالیت داشتیم. بعد که کرونا آمد فعالیت‌هایمان را معطوف به مسائل کرونایی کردیم و ضدعفونی و ماسک و سبد معیشتی عمده‌ی فعالیت ما بود.

کار را که شروع کردیم دیدیم عده‌ای از نیازمندان را می‌شود با یک حمایت مشکل مسکن شان را حل کرد. مثلاً طرف زمین داشت، بلوک گرفته بود ولی پولی نداشت که خانه‌اش را تکمیل کند. دو تا ساختمان را با همین مدل که ساختیم به دلمان نشست، مزه داد. شیرین بود. برای همین کار را با





است که منطقه‌ی وسیعی را تحت پوشش قرار داده‌ایم. گروه‌ها و افراد و نهادها می‌آمدند کارهای مختلفی را به ما می‌سپاردند. مثلاً هیأت رزمندگان اسلام می‌آمد منطقه‌ی ما مراسم برگزار کند، می‌گفتند این‌ها نیرو دارند بگویند بیایند. افراد متفاوتی به ما زنگ می‌زدند و سر می‌زدند و از ما کار می‌خواستند. این کار خواستن‌های زیاد باعث می‌شد ما کارها را نیمه‌کاره رها کنیم یا کار را قبول می‌کردیم ولی توانایی ورود نداشتیم. بنابراین کار مداوم و متمرکز هیچ وقت نتوانستیم

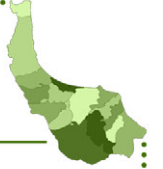
انجام دهیم. به‌طور مثال یک خانه را به ما سپردند که یک گروه جهادی قبلاً رفته بود آنجا کار کرده بود و نیمه‌کاره رها کرده بود. ما وارد شدیم بخش‌هایی را انجام دادیم ولی سقف ناتمام آن را رها کردیم رفتیم سراغ یک کار دیگر که به ما سپرده شده بود و این کارهای متعدد، نیروهای ما را خسته و فرسوده کرد.



گفتم هیچ کدام از بچه‌ها نیایند. خود مردم محل را وارد کردیم. از جدول‌کشی و آسفالت و پاکسازی با همان افراد انجام شد. ما اگر می‌خواهیم در روستایی کار جهادی بکنیم اول می‌رویم استعداد و ظرفیت روستا را می‌سنجیم. این نمی‌شود که ما به منطقه‌ای برای کار برویم که ۸۰ تا جوان دور روستا بیکار و علاف نشسته باشند، تخمه بخورند و ما را تماشا کنند. این هم توهین به ماست هم توهین به شأن انسانی آن هاست. ما چهار تا گروه جهادی بودیم در یک منطقه (هیأت بقیة ا...، گروه شهید ابراهیم هادی، گروه مجاهد) که همواره با هم کار می‌کردیم. مثلاً در ایام کرونا یک مسجد را محور قرار داده بودیم. در یک قسمت ما مشغول تولید مواد



ضد عفونی بودیم. در قسمت دیگر گروه شهید هادی دستکش تولید می‌کرد. نه آن‌ها در کار ما دخالت می‌کردند، نه ما در کار آن‌ها دخالت می‌کردیم. ولی باهم مشارکت داشتیم. وقتی می‌خواستیم یک بسته تهیه کنیم تولیدات همدیگر را به اشتراک می‌گذاشتیم و مناطق شهر را هم بین خودمان تقسیم می‌کردیم که موازی‌کاری نشود. اگر گروهی در حین انجام کار نتواند کار را جلو ببرد از گروه دیگر کمک می‌گیرد مثلاً آقای نبی‌پور در حال ساخت مسکن محروم است، تماس می‌گیرد دو نفر نیرو درخواست می‌کند، ما هم به کمک او می‌رویم. یکی از ایرادات ما این



روایت اسماعیل داورپناه

مسئول گروه جهادی شهید جهانگیر مغانی



داشتم که امروز فوتبالیست شده است به نام جلال علی محمدی که در سپاهان بازی می کرد و اکنون در مس رفسنجان بازی می کند و آن ایام ۱۰۰۰ لیتر الکل به ما کمک کرد. برای نوجوانان ۱۳-۱۴ ساله که آسیب دیده هستند و در آستانه اعتیاد قرار دارند کلاس های مشاوره و روان شناسی برگزار می کنیم.

خانواده ای بوده اند که پدر و مادر هر دو ناشنوا و فرزند دارای شنوایی بود. از طریق یکی از اقوامشان با آنها آشنا شدیم و ساختمانشان را بازسازی کردیم. خوشحالی فرزند این خانواده شادترین لحظه زندگی من بوده است. خیرینی داریم که به ما کمک می کنند و ۱۲ نفر عضو گروه جهادی ما هستند که در امور مشارکت می کنند. وقتی می خواهیم کاری را شروع کنیم در مسجد بین مردم مطرح می کنیم تا افراد با توانایی مختلف درگیر مسئله شوند. راه رسیدن به قرب الهی خدمت به مردم است. اولین هدف گروه جهادی خودسازی خود آدم است.

اینجانب اسماعیل داورپناه ۳۰ ساله دهیار روستای کارتان پسیخان و مسئول گروه جهادی شهید جهانگیر مغانی شهرستان شفت استان گیلان هستم. این گروه از سال ۱۳۹۸ شروع به کار کرده است. در این سال برف سنگینی در منطقه ما باریده و منازل محرومین و سالخوردگان آسیب فراوانی دیده بود. سقف منازل افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی خراب شده بود و گروه جهادی ما با کمک مردم خانه ها را تعمیر می کرد. هدف مان این بود گروهی در روستا برای فقرزدایی تشکیل بدهیم. سال ۹۹ که کرونا آمد تولید ماسک را شروع کردیم و روزانه ۶۰۰ ماسک را توسط سه خیاط تولید و توزیع می کردیم. در اینستاگرام اطلاع رسانی می کردیم و کمک های مردمی را برای حل مسائل کرونا جمع آوری می کردیم. بسته های بهداشتی و معیشتی فراهم می کردیم و دم در خانه افراد می رساندیم. یک دوست و هم مدرسه ای



حامد محمد علیزاده

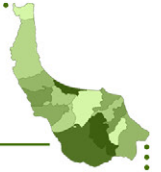
روایت

مسئول گروه جهادی شهید آوینی املش

و خبرنگاران و فعالین فضای مجازی استفاده کردیم و اتاق فکری از پیشکسوتان فرهنگی و پاسدار منطقه تشکیل دادیم که پشتوانه نظری ما را تأمین می‌کردند. بازتاب فعالیت‌ها خودش انگیزه تداوم کار ما می‌شد. در همین راستان پویش‌های رسانه‌ای مختلفی در سال انجام می‌دهیم که نمونه آن پویش افطاری ساده در ماه مبارک رمضان بود. ما هر سال شعر سال را مدنظر قرار می‌دهیم و براساس آن به گروه‌های جهادی مشاوره و راهبرد هم می‌دهیم. مثل این دو سال که تولید مدنظر است زمینه‌ساز گسترده تر شدن فعالیت‌های تولیدی در شهرستان شده ایم و بنگاه‌هایی که مشکلاتی داشتند در مدار تولید قرار گرفته‌اند. مثل کارگاه فرآوری چای که سبب اشتغال در منطقه شده است. ما هر کاری را که می‌خواهیم شروع بکنیم به انتهای آن فکر می‌کنیم و بعد با امید و توکل جلو می‌رویم. با توجه به اینکه هر انسانی یک استعدادی را دارد همه ما در کنار هم هستیم و داریم فعالیت می‌کنیم. همین جمع شدن استعدادها مردمی است که می‌تواند مشکلات را از بین ببرد. اگر اراده‌ها جمع شود خداوند هم عنایت می‌کند. هم از تجارب دیگر گروه‌ها در کشور استفاده می‌کنیم و هم کار خود را به نحوی ارائه می‌دهیم که یک تجربه قابل انتقال به دیگران باشد.

اینجانب حامد محمدعلیزاده مسئول گروه جهادی رسانه‌ای شهید آوینی شهرستان املش استان گیلان هستم. فعالیت گروه جهادی ما در معرفی و تبیین اقدامات گروه‌های جهادی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و آموزشی می‌باشد. در سال ۱۳۸۶ سفری را به مناطق دفاع مقدس داشتم. در این اردوی راهیان نور من تصویر یک مادر شهیدی را ثبت کردم که در کنار یک سیم خاردار در حال خواندن زیارت عاشورا بود و با حال و هوای خودش مناجات می‌خواند. وقتی به شهر خودم برگشتم با تصاویر دیگری که در این سفر گرفته بودم یک کلیپ ساختم که مورد استقبال قرار گرفت و همین انگیزه ای شد که کار رسانه‌ها پیگیری و ادامه‌دهم. وقتی دیدم فعالیت‌های گروه‌های جهادی که زحمت‌زبانی را به صورت گمنام و مخلصانه می‌کشند دیده نمی‌شود و در رسانه‌ها بازتاب ندارد تصمیم گرفتم خدمت‌رسانی این گروه‌ها را رسانه‌ای کنم و پشتیبان رسانه این گروه‌ها باشم. از سال ۱۳۹۸ کار را با جمعی از دوستان شروع کردیم و در سال ۱۳۹۹ در اطلس گروه‌های جهادی آن را به ثبت رساندیم. در این مسیر از مشورت‌ها و مشارکت اصحاب رسانه





سلمان شریفی

روایت

مسئول گروه جهادی سفیر شفت



اینجانب سلمان شریفی مسئول گروه جهادی سفیر شهرستان شفت استان گیلان هستم. گروه ما از سال ۹۸ با پیدایش بیماری فراگیر کرونا در کشور و بحرانی که بوجود آمده بود شکل گرفت. با

سمپاشی معابر عمومی و ضدعفونی کردن بیمارستان شهر شروع کردیم و برای کمک به کادر درمان وارد بیمارستان ها شدیم. کمک های مردمی که جمع شد اقدام به توزیع بسته های معیشتی کردیم. بعد از کرونا هم این سنت ادامه پیدا کرد و بازسازی خانه محرومین و تأمین هزینه درمان و داروی بیماران خاص و ... اضافه شد. شهر ما یک شهر کوچک است. احمدسرگوراب شهرستان شفت هستیم و با وجود

مردم وجود نداشت. اصلاً تابیش کسی هم می خواست فعالیتی خارج از شهر همراه می شد. شهر خودمان یک گروه داشته رسانی کنیم. اعضای ثابت گروه ما تماماً از سوی خیرین تأمین ارائه گزارش در فضای مجازی منابع شفاف سازی و اعتماد سازی عامل سال های اخیر با توجه به گرانی



نیروهای پای کار زمینه فعالیت از این گروه جهادی نداشتیم. اگر داشته باشد باید با گروه های اینبار تصمیم گرفتیم در داخل باشیم و در این محدوده خدمات ما ۱۰ نفر است. هزینه فعالیت می شود. بیشتر از طریق تبلیغات و امکانات بسمت گروه ما آمد. مراجعه مردم به ما بود. اما در

های پیش آمده طبقه متوسطی که همواره به ما کمک می کرد دیگر توانایی پرداخت چنین کمک هایی را ندارد و بخاطر همین کارهای ما هم تحت تاثیر قرار گرفته است. الان بیشتر کمک ها از افرادی که دارای درآمد بالاتری هستند و در دیدارها و جلسات چهره به چهره بدست می آید. ما ترجیح می دهیم از ۵۰ نفر ۱۰۰ هزار

تومان بگیریم تا از یک نفر ۵ اطلاع رسانی از طریق فضای بقیه گروه های جهادی در سطح داریم و به همدیگر کمک تجهیز داریم که سایر گروه ها استفاده می کنند یا مثل عید توزیع را انجام می دهیم. با گروه مصاف آقای زادبر و ۵ گروه جهادی دست به دست هم دادیم برای یک روستا محروم که دسترسی به جاده نداشتند با ۳۰۰ متر بتن گذاری و آسفالت یک جاده روستایی ساختیم.



میلیون. برای همین همچنان مجازی را ادامه می دهیم. با شهر و شهرستان همکاری می کنیم. مثلاً ما آشپزخانه هم برای پخت غذای گرم از آن غدیر با هم پخت می کنیم و



در هر روستا یک نفر را به عنوان رابط معتمد می‌گذاشتیم که کمک‌های ما را توزیع می‌کرد و شناسایی افراد محروم را انجام می‌داد و منابع را جمع‌آوری و تقسیم می‌کرد. این روش کار شبکه‌ای را ما از گروه مصاف آقای زادبر یاد گرفتیم و در منطقه خودمان اجرا کردیم. یکی از بهترین خیرین ما کسی بود که در فضای عادی با ما کل کل سیاسی داشت. حتی خیلی نظام را قبول نداشت با اینکه می‌دانست طیف بچه‌های ما چه دیدگاه سیاسی دارند باز هر وقت فراخوان می‌دادیم برای کمک اولین نفر مشارکت می‌کرد این هم شیرینی کار اجتماعی است که دلها را بهم نزدیک می‌کند. این یک دستاورد اخلاقی برای ما بود که توانسته بودیم با همه اقشار ارتباط برقرار کنیم و اعتماد آنها را جلب کنیم. یکی از مشکلات فعالیت‌های خیریه در مناطق روستایی و کم‌برخوردار موازی کاری گروه‌ها و نهادهاست چون شبکه‌ای وجود ندارد کسی نمی‌داند به یک خانواده چقدر کمک شده یا نشده است. بالاخره یک سامانه‌ای باید بوجود بیاید که اطلاعات با هم به اشتراک گذاشته و تقسیم کار شود. اگر بخواهیم اعتماد عمومی را جلب و پشت گروه بیاوریم باید کار جمعی را در دستور کار خودمان قرار بدهیم. با کار انفرادی نمی‌شود کار اجتماعی کرد. ما اگر توانستیم یک گروه درست کنیم که ۱۰-۱۲ نفر یکدل و هم‌سخن شدن آن وقت موفقیت دور از دسترس نیست.



برای کار خیر عجله نکنید! بعضی از دوستان ما که به این عرصه پامی گذارند از هول حلیم در دیگ می‌افتند، تا یکی را می‌بینند سرووضع خوبی ندارد فکر می‌کنند طرف محروم است. شناسایی محرومیت و کمک به آدم محروم باید با حفظ کرامت انسانی و دقت انجام شود. این گونه نباشد که نیاز مددجو درمان و دارو باشد ولی ما به او سبد غذایی بدهیم. در ایام کرونا همه گروه‌های جهادی دنبال توزیع بسته معیشتی بودند. این با موج رفتن باعث شد خیلی از آن‌ها پس از کرونا راکد شوند درحالی‌که کار جهادی یک کار مستمر است که باید باحوصله و خستگی‌ناپذیری در یک

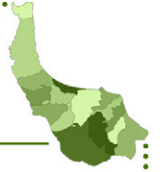
با تأمین چرخ خیاطی، دارقالی یا ایجاد زمینه فروش محصولات کشاورزی تلاش کرده‌ایم برای زنان سرپرست خانوار شغل ایجاد کنیم. تجربیات شکست هم داشته‌ایم مثل فرد معتادی که خانواده‌اش را دچار مشکلات فراوان کرده بود و با حمایت ما ترک کرد اما با لغزش او و روی آوردن دوباره به مواد مخدر تلاش‌ها به ثمر ننشست. بعضی مواقع کار قفل می‌شود که با تلاش بچه‌ها و لطف الهی موانع برطرف می‌شود. یکی از کارهایی که شیرینی آن همواره در کام‌ماست برگزاری جشن تولد برای کودکان مناطق محروم است. وقتی که کبکی تهیه می‌شود و باهدایا و جوایز دسته جمعی



بازه زمانی طولانی انجام شود. خیلی از افراد در یک فضای ایزوله رشد کرده‌اند. وقتی می‌آیند محرومیت‌ها را می‌بینند به جای آنکه محرکی شود تا آن‌ها در این زمینه تلاش و کوشش کنند باعث سرخوردگی و ناامیدی و یأس سیاسی، اجتماعی طرف می‌شود که باید خداوند و استعانت از اهل بیت را مدنظر قرار داد و با کار جمعی و تشکیلاتی برای رفع مشکلات برنامه‌ریزی کرد.

به خانه آن‌ها می‌رویم شادی وصف‌ناپذیری را هم برای ما، هم مددجویان به وجود می‌آورد. روز دختر بچه‌های زیر ۹ سال این محلات را به شهر بازی می‌بریم و پس از گردش و تفریح یک پیتزایی یا هر غذا مطلوب آنها بچه‌ها را مهمان می‌کنیم. با اجرا این برنامه یک شب به یاد ماندنی در سالروز ولادت حضرت معصومه برای آن‌ها رقم می‌زنیم. تاکنون ۱۰۰ خانواده محروم که نتوانسته بودند به زیارت امام رضا (ع) بروند، رایگان اعزام کرده‌ایم.





سید رضا میرنظری

روایت

مسئول سمن جمعیت مبارزه با دخانیات آستارا



اینجانب سید رضا میرنظری اهل و ساکن شهرستان آستارا هستم. وقتی شیوع استفاده از دخانیات خصوصا سیگار و قلیان را در سطح شهر مشاهده کردم که هر روز افزایش پیدا می کرد و نسل نوجوان و جوان ما را درگیر خودش کرده بود یک سازمان مردم نهاد را در وزارت کشور ثبت و کار را شروع کردیم. نزدیک خیلی از مدارس و مساجد قهوه خانه و قلیان سرا ایجاد شده بود و به راحتی به نوجوانان و جوانان سیگار می فروختند. در یک بازه زمانی کوتاه ۱۶۰ جلسه آگاه سازی در مدارس برگزار کردیم و در سطح شهر هم نمایشگاه هایی ایجاد کردیم که حساسیت جامعه را نسبت به این مسئله که خودش زمینه ساز آسیب های اجتماعی بزرگتر همچون اعتیاد هست بر انگیزیم. با صاحبان قهوه خانه ها و قلیان سراهایی که نزدیک مدارس و مساجد بود وارد مذاکره شدیم و آنها را قانع کردیم که تغییر شغل بدهند و مثلا تبدیل به سوپرمارکت شوند.



فعالیت ما فقط در این حوزه محدود نمی شود گروه جهادی داریم به نام شهید سهراب نژاد که وابسته به مسجد امام جعفر صادق (ع) است که مسائل مردم را در حد توان حل می کنیم مثلا خانواده، شهیدی بود در لوندویل که ۴۰ سال بود برق نداشتند. با مسئولین بخش مذاکره کردیم و با همت گروه جهادی آنها برق دار شدند. در خصوص رودخانه مرزی آستاراچای که یک رودخانه شیلاتی در استان گیلان بوده در فصل تخم ریزی ماهیان مولد که از فروردین تا اردیبهشت ماه است توسط مرزبانی دو کشور مجوز صید صادر می شد که این به منابع طبیعی رودخانه آسیب جدی میزد.

گروه جهادی ما ورود پیدا کرده رو با سفیر ایران در آذربایجان گفتگو شد و مکاتبات صورت گرفته و جلسه دوجانبه ای در رودخانه برگزار شد که باعث شد

از دو ماه به یکماه کاهش پیدا کند. دو سال هم به خاطر کرونا رودخانه را بستیم تا منابع رود خزر را حفظ کنیم

برای نسل رهای آینده.





یک خانم پیر تحت پوشش کمیته امداد بود که نیاز به کارگاه داشت تا تولید خانگی را راه بیندازد. در ماه رمضان با مشارکت گروه جهادی یک کارگاه برای وی ساخته شد و افراد زیادی را مشغول به کار کردند. به ما گفتند مدرسه ای در شهرک عباس آباد نیاز به کمک دارد وقتی مراجعه کردیم آنها اعلام کردند ۴ میلیون می خواهیم برای درست کردن دروازه ی بچه های مدرسه تا بچه ها فوتبال بازی کنند. ما هم گفتیم انجام می دهیم مقداری ضایعات کنار حیاط مدرسه بود پرسیدیم اینها را نمی خواهید گفتند نه همان ها را بردیم جوشکاری و یک رنگ هم به آنها زدیم و شد تیر دروازه ای که کلا ۱۰۰ هزار تومان خرج بیشتر نداشت. یعنی اگر به ظرفیت ها و امکانات درست نگاه کنیم خیلی از مسائل به همین راحتی و با کمترین هزینه قابل حل است. گروه های جهادی باید جوانان را به صحنه بیاورند مسئله یابی کنند و آنها را برطرف کنند. در هشت سال دفاع مقدس واقعا ایثار و شهادت و خلاص و بدون ریا مردم بیان کار بودند تا باید این الگوها را به جوانان معرفی کنیم تا در مسیر صحیح و موفقیت قرار بگیرند ان شاء الله...





روایت هادی دولتی

مسئول گروه جهادی فاضل دولتی ماسال



اینجانب هادی دولتی ۴۵ ساله، نظامی و مسئول گروه جهادی شهید فاضل دولتی شهرستان ماسال استان گیلان هستم. ما بصورت خودجوش از سال ۱۳۸۲ فعالیت جهادی داشتیم و اموری مانند فعالیت عمرانی و تأمین و توزیع بسته‌های معیشتی را انجام می‌دادیم. کار ما از اینجا آغاز شد که جمعی از بچه‌ها را برای اردو به منطقه‌ای برده بودیم. رفتیم از خانه‌ای آب بگیریم دیدیم در این خانه دو بچه‌ی معلول هست. یک خواهر هم دارند که از لحاظ خونی مشکل داشت. داخل خانه شدیم دیدیم وضعیت ساختمان‌شان افتضاح است. داخل آشپزخانه نشست کرده بود و گودی درست شده بود. آب گرمکن و سرویس بهداشتی نداشتند و در همین وضعیت زندگی می‌کردند. این یک جرقه‌ای شد تا بچه‌ها کمک‌ها را جمع کنند و با ۱۲ میلیون این بنده‌های خدا در آن زمان بازسازی شد و کار جهادی ما هم شروع شد. ۲۰ خانوادگی بی‌بضاعت را شناسایی کردیم از همان زمان تا حالا به این‌ها کمک معیشتی می‌کنیم. ماهانه یک مبلغی را بچه‌ها جمع می‌کنند از خودشان و این حرکت تداوم داشته است. کمک‌های موردی مثل تأمین جهیزیه و وسایل پزشکی هم مورد توجه گروه بوده است. عضو ثابت گروه ما ۱۰ نفر است ولی ۴۰۳۰ نفر در برنامه‌ها و فعالیت‌های ما مشارکت می‌کنند. این افراد تغییر می‌کنند و بسته به توان و زمانی که دارند به مردم خدمت می‌کنند.

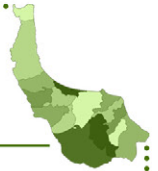


ما الآن گروه را ثبت کرده‌ایم که بتوانیم با باز کردن حساب بانکی، کارها را تسهیل کنیم. برای این که در محیط کوچک منطقه مشکلی پیش نیاید سعی می‌کردیم کمک‌ها و منابع غیرنقدي جذب کنیم و حتی المقدور از حساب شخصی استفاده نکنیم. در کار جهادی باید با صداقت جلو رفت. برای خودنمایی نباید فعالیت کنیم. گروه ما کلاً در شب کار می‌کنند. شبانه می‌روند جلوی درب خانه‌ی محرومان و کسی هم آن‌ها را نمی‌شناسد. مسأله‌ی دوم امین بودن هست. این هم فقط به برداشتن برای خود معطوف نمی‌شود بلکه تو به نیابت از مردم باید فقیرترین و نیازمندترین فرد را انتخاب کنی و به آن کمک‌رسانی کنی. مخصوصاً در شهرها و روستاهای کوچک توجه به خانواده خودم، اقوام و طایفه‌ی خودم صحیح نیست. اگر این مسائل را رعایت نکنی، حتماً خداوند یاری می‌کند و در کارها گیر نمی‌کنی. بارها شده است که ما معطل یک میلیون تومان شده‌ایم و به یکباره فردی آمده و مبلغ را پرداخت کرده است. صداقت و پاکی اصل اساسی کار است. وقتی شما به خانه‌های مردم می‌روید باید از همه نظر دقت و پاکی داشته باشید.

بمثل برکت

تجربه گروه های مردمی در حوزه خیریه





اسماعیل آزاد

روایت

مسئول مرکز نیکوکاری افق امامزادگان آستارا



اینجانب اسماعیل آزادمرد مسئول مرکز افق امامزادگان ابراهیم و قاسم (علیهما السلام) بندر آستارای استان گیلان هستم. مرکز افق در سه حوزه فرهنگی، اجتماعی و قرآنی فعالیت می‌کند. من فعالیت‌های پراکنده‌ای را در محل سکونت خودم شهرک مهدی (عج) و مسجد امام سجاد (ع) داشتم، بعد با جریان‌های انقلابی فرهنگی-اجتماعی شهر آشنا شدم، در اثر همین ارتباطات که با هم افزایشی و انتقال تجربه همراه بود، نیاز دیدیم یک شبکه‌ای از فعالان شهر را منسجم کنیم و با نظر این دوستان من مسئولیت کار را بر عهده گرفتیم. یک پویشی به نام سلام شکل گرفت که آرام آرام تبدیل شد به گروه جهادی و مرکز نیکوکاری که همه این گروه‌ها هم اکنون ذیل بخش اجتماعی مرکز افق به ادامه کار می‌پردازند. یک طرحی را به عنوان قرار دوازدهم پیاده می‌کنیم که ۱۲ هر ماه کمک‌های مردمی را جمع‌آوری و با آن بسته‌های معیشتی مورد نیاز محرومین را تهیه و توزیع می‌کنیم. ۱۴۰ نیازمند و مددجو تحت پوشش مرکز نیکوکاری ما هستند که اولویت بندی شده‌اند و بسته به نیازهایشان کمک‌های ما را دریافت می‌کند. فردی را داریم که سالی دوبار از ما خدمات معیشتی می‌گیرد و مددجویی داریم که در ماه چند بار مراجعه دارد و مشکلاتش حل می‌شود. در فصول سرد سال وسایل گرمایشی و در فصل گرم وسایل سرمایشی را با کمک خیرین تهیه و برای خانواده‌های نیازمند نصب می‌کنیم. در کار تشکیلاتی هم برای ایفای نقش موثر مردم در گام دوم انقلاب هسته سخت شهر را تشکیل داده‌ایم و پهنه بندی منطقه و نقشه جامع شهرستان را به سرانجام رسانده‌ایم و بدنبال ادامه کار در شبکه سازی محله محور هستیم تا بمیدان‌آوری مردم محقق شود. طرح مهدی یاوران انسجام مردم محقق شود. در مجموعه خیریه ما مردم را در قالب و ثابت به مجموعه کمک داده‌ایم که بصورت ماهانه می‌کنند و همچنین خادم‌های افتخاری داریم که در مواقع نیاز کمک‌رسانی می‌کنند. سایر فعالیت‌ها ما کمک‌های موردی است که در باره تجهیزیه و تعمیرخانه محرومین می‌باشد که با همکاری اعضا و خیرین انجام می‌شود.





مهرعلی قربانی

روایت

مسئول مرکز نیکوکاری صاحب الزمان (عج) رستم آباد

افراد زیادی آموده‌اند و درخواست داده‌اند و جهیزیه‌ی آن‌ها تأمین شده است. وقتی می‌خواهیم جهیزیه را برای آن‌ها ببریم، تماس می‌گیریم که داماد در خانه‌ی آن‌ها نباشد که موجب سرخوردگی عروس شود. طی این سال‌ها اعتمادی که ایجاد شده باعث شده تأمین‌کنندگان ما بدون هیچ پیش‌پرداختی و با کمترین قیمت کالاها را به ما بفروشند و ما مبالغ را خرد-خرد و قسطی به آن‌ها پرداخت کنیم. برای آنکه افرادی که

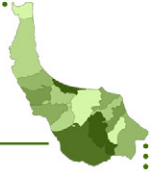


کمک می‌کنند دلگرم شوند و ببینند کمک‌های آن‌ها بدست مردم می‌رسد آنها را با خودمان به خانه‌ی مددجو می‌بریم تا حس کنند و با جان و دل به افراد مستحق کمک کنند. ما در هر محله یک نماینده و رابط داریم که در جمع‌آوری کمک‌ها و شناسایی مددجویان ما را همراهی می‌کنند. این کار که ما به صورت خانوادگی داریم انجام می‌دهیم واقعاً یک کار خدایسندانه است. اگر کسی قدم در این راه بگذارد از معامله با خدا ضرر نمی‌کند. برای همین مشوق افرادی بوده‌ایم که دوست داشتند در این مسیر حرکت کنند و الآن آن‌ها هم دستی در آتش دارند و کمک می‌کند و در همین مرکز نیکوکاری نیز مشارکت دارند.

اینجانب مهرعلی قربانی ۶۱ ساله دارای مدرک لیسانس و مدیر خیریه حضرت صاحب‌الزمان بخش رستم‌آباد شهرستان رودبار استان گیلان هستم. انقلاب که شد ۱۷ سال سن داشتم و همراه مردم انقلابی در جهادسازندگی و جبهه شرکت کردم. بعد از جنگ هم وارد انجمن‌های اسلامی و هیأت مذهبی شدم و به هر صورت خدمت‌رسانی به محرومین و مستضعفین را همواره مد نظر قرار می‌دادم. در جهاد که بودیم وقتی قرار بود برای منطقه‌ای پروژه‌ای را انجام بدهیم مدیر کل و هم‌هی کارکنان جهاد، اداره را به یک نفر می‌سپردند و بر سر پروژه می‌رفتند مردم محلی وقتی می‌دیدند ۳۰ نفر از جهاد آمده‌اند آن‌ها هم ۱۰۰ نفر پای کار می‌آمدند و کار جمع می‌شد. این روحیه و تجربه با من هنوز هم همراه است. مسائل شهر را با مردم مطرح می‌کنم و همراه آن‌ها برای حل مشکل قدم برمی‌داریم. ۲۰ سال پیش من و همسر شروع به کار خیر کردیم. داستان از اینجا شروع شد که یک دختر خانمی دو سال نامزد کرده بود و نمی‌توانست به خانه بخت برود. خانم‌ها گفتند جهیزیه‌ای ندارد که برود سر خانه و زندگی خودش. همسرمان همانجا از خانم‌ها خواست هرکدام مبلغ ۲۰ هزار تومان کمک کنند تا یک صندوق خیریه



راه‌اندازی شود. خیرین هر ماه این مبلغ را کمک می‌کردند و با جمع‌آوری آن هزینه جهیزیه تأمین می‌شد. این دخترخانم ازدواج کرد و رفت اما بعد از ادامه پیدا کرد و پایه‌ای برای تأسیس خیریه شد. طی این ۲۰ سال



روایت شهید مهدی ثریایی

مسئول گروه جهادی شهید باکری شهرستان تالش



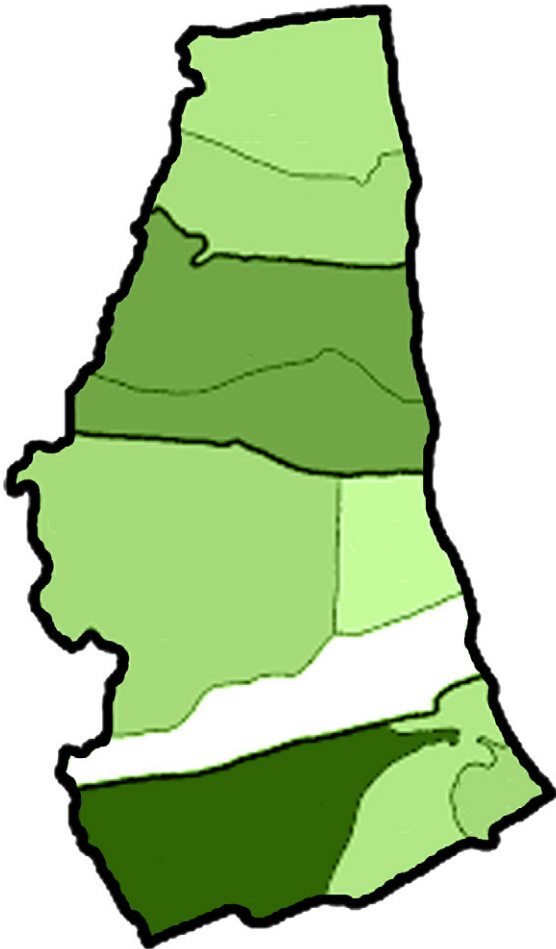
تأهل هم بود. جمع این کارها کمی سخت بود که با همراهی خانواده میسر شد. یکی از فعالیت‌های ما حوزه مسکن محرومان است. رابطین محلی آن‌ها را به ما معرفی می‌کنند و ما از محل بازدید می‌کنیم. بعد خیرین و فعالین جهادی را پای کار می‌آوریم و مسئولین منطقه را باخبر می‌کنیم. مثلاً خانه کاهگلی ای وسط شهر که بر سر ساکنین آن خراب شده بود و آن‌ها پناهی نداشتند. اتفاق خوب این است که کار به طور کامل مردمی حل می‌شود. بچه‌هایی که پای کار می‌آیند ریالی دریافت نمی‌کنند.

اینجانب

مهدی ثریایی

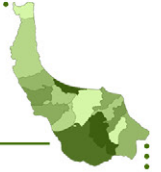
متولد ۱۳۷۷ دارای

مدرک کارشناسی و مسئول مرکز نیکوکاری شهید باکری شهرستان تالش استان گیلان هستم. از دوران دبیرستان من می‌دیدم بعضی دوستان دانشگاه‌های معتبر قبول می‌شوند اما هزینه اسکان و تغذیه باعث می‌شود آن‌ها کناره‌گیری کنند. با دور هم آوردن دوستان دبیرستانی خودمان که توانایی مالی خانواده‌شان اجازه می‌داد به همراه معلمان و کادر آموزشی مدرسه بدون آنکه آن دوستان و دانشجویان خبر داشته باشند یک مبلغی را تعیین کنیم که به صورت مستمر به آن‌ها پرداخت شود تا آن‌ها بتوانند در رشته‌های خوبی که قبول شده بودند ادامه تحصیل دهند. خدا را شکر الان خیلی از آن‌ها فارغ‌التحصیل شده اند و کار و حرفه مطلوبی دارند. این کار کم‌کم ادامه یافت. دیدیم دیگر نمی‌توانیم کنار بگذاریم. دغدغه پشت دغدغه می‌آمد تا اینکه به کارهای بزرگتر که هزینه‌های بیشتری داشت رسید. بعد از دوران دانشجویی ازدواج کردم و در تالش ماندگار شدم. سعی کردم دوباره بعضی کارها را شروع کنم. البته کار کمی سخت شده بود و مسئله معیشت بخرنج شده بود. در کنارش رسیدگی به پدر و مادر و



استادکارها هم وقتی داستان را می‌شنوند مبلغی دریافت نمی‌کنند. حتی غذای نیروها را مردم محله تهیه می‌کنند. هر ظرفیت در محل هست پای کار می‌آید. مسجد محله مقرر می‌شود تا کار جلو برود. محور کار هم همین جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ هستند. در یکی از روستاهای اطراف شهر تالش با خانواده شهیدی روبرو شدیم که در یک چادر زندگی می‌کرد. باد و باران زندگی در شأن یک خانواده ایرانی را از بین برده بود چه برسد به اینکه خواهر شهید در این وضعیت به سر ببرد. وقتی برای بازدید رفته بودیم دیدم در همین چادر عکس شهید و عکس شهید قاسم سلیمانی و دیگر شهدا در همین جا در محقر نصب شده است و یاد آن‌ها زنده است. یک جمله‌ای خواهر شهید گفت که همه ما را تکان داد. وی گفت اگر برادر من الان بود قبول میکرد من در این وضعیت زندگی کنم. بچه‌ها خیلی تحت تاثیر قرار گرفتند و اراده کردیم تا آخر کار بایستیم. خدا را شکر با کمک خیرین، صاحبان مشاغل و مردم محلی خانه را در ۴ ماه ساخته و تحویل ایشان دادیم.





روایت

یاسر بهروز

مسئول صندوق نیکوکاری دوبخشر شفت



ماه مبلغی هرچند اندک را واریز می‌کنند و بعضی هم به مناسبت‌های مختلف مثل شب یلدا، شب عید، ماه مبارک رمضان و آغاز سال تحصیلی مبالغ بیشتری را هدیه می‌کنند. الان ۴ سال است که به همین مناسبت‌ها در کانال روستا اطلاع‌رسانی می‌کنیم و کمک‌های جمع آوری شده را توزیع می‌کنیم. در مورد کمک‌های موردی هم جداگانه پرداخت داریم. مثلاً طرف بیماری سرطان دارد در مورد داروهایش پرداخت داشته‌ایم. فرد عینک نیاز داشته تعبیه شده است.

۱۲۰ نفر در گروه ما که در فضای مجازی هست حضور دارند که در موقعیت‌های مختلف به ایفای نقش می‌پردازند. یک هیئت امنای درست کردیم و حساب مشترکی با امضای سه تن از معتمدین روستا باز کرده‌ایم. برای اینکه بتوانیم افراد بیشتری را کمک کنیم بصورت چرخشی عمل می‌کنیم تا هم عادت و رویه نشود و هم خانواده‌های مختلفی بهره‌مند شوند.

محیط روستا کوچک است و برای حفظ آبروی افراد خیلی باید حساس بود و دقت داشت. برای همین رازداری از اصول اساسی کار ماست.

اینجانب یاسر بهروز مسئول صندوق نیکوکاران دوبخشر شهرستان شفت استان گیلان هستم. قبل از تشکیل گروه جهادی، ما یک گروهی در فضای مجازی داشتیم مثل بقیه روستای منطقه آدم‌های قدیمی‌تر روستا که فرهنگی بودند اسم گروه را گذاشتند خانه فرهنگ دوبخشر. کارهای مثل پیاده‌روی خانوادگی انجام می‌دادیم یا دسته‌جمعی زباله های منطقه را پاکسازی می‌کردیم. همین گروه سبب شد چند سال در روستا جشن پدر و مادرهای بالای ۷۵ سال را برگزار کنیم. یک آقای بود به اسم مهندس پورعزیزی که پسرانش هر دو چشم‌پزشک هستند. وقتی فعالیت‌های ما را دید پسندید، پیشنهاد داد خیریه‌ای برای روستا راه‌اندازی کنیم که اهالی متعلق به روستا چه کسانی که مهاجرت کردند چه افرادی که ساکن هستند کمک‌های خود را در آنجا تجمیع کنند و به افراد نیازمند روستا پرداخت شود. بعضی‌ها استقبال کردند. افرادی هم گفتند ما خودمان کسانی را می‌شناسیم و کمک می‌کنیم. بالاخره آهسته آهسته صندوق خیریه روستا شکل گرفت. بعضی‌ها هر



یاسر تبریزی نژاد

مسئول هیئت روضه الحسین (ع) و خیریه حضرت زهرا (س) انزلی

اینجانب یاسر تبریزی نژاد مسئول هیئت روضه الحسین (ع) و خیریه حضرت زهرا (س) بخش چوکام بندر انزلی استان گیلان هستم. ما یک هیأت داریم که از سالیان گذشته برنامه‌های مذهبی برگزار می‌کردیم با همین بچه‌های هیأت مؤسسه‌ی خیریه را راه‌اندازی کردیم. ما در یک محیط روستایی زندگی و فعالیت می‌کنیم. بچه‌های مذهبی نمی‌توانستند به مسائل اجتماعی بی تفاوت باشند. مسأله‌ی معیشت مردم و حل حوائج و مشکلات آنها پیوند دهنده‌ی قلب‌ها و انسجام‌بخش جامعه است. بنابراین وظیفه دیدیم که یک گوشه‌ای از کار را بگیریم و در

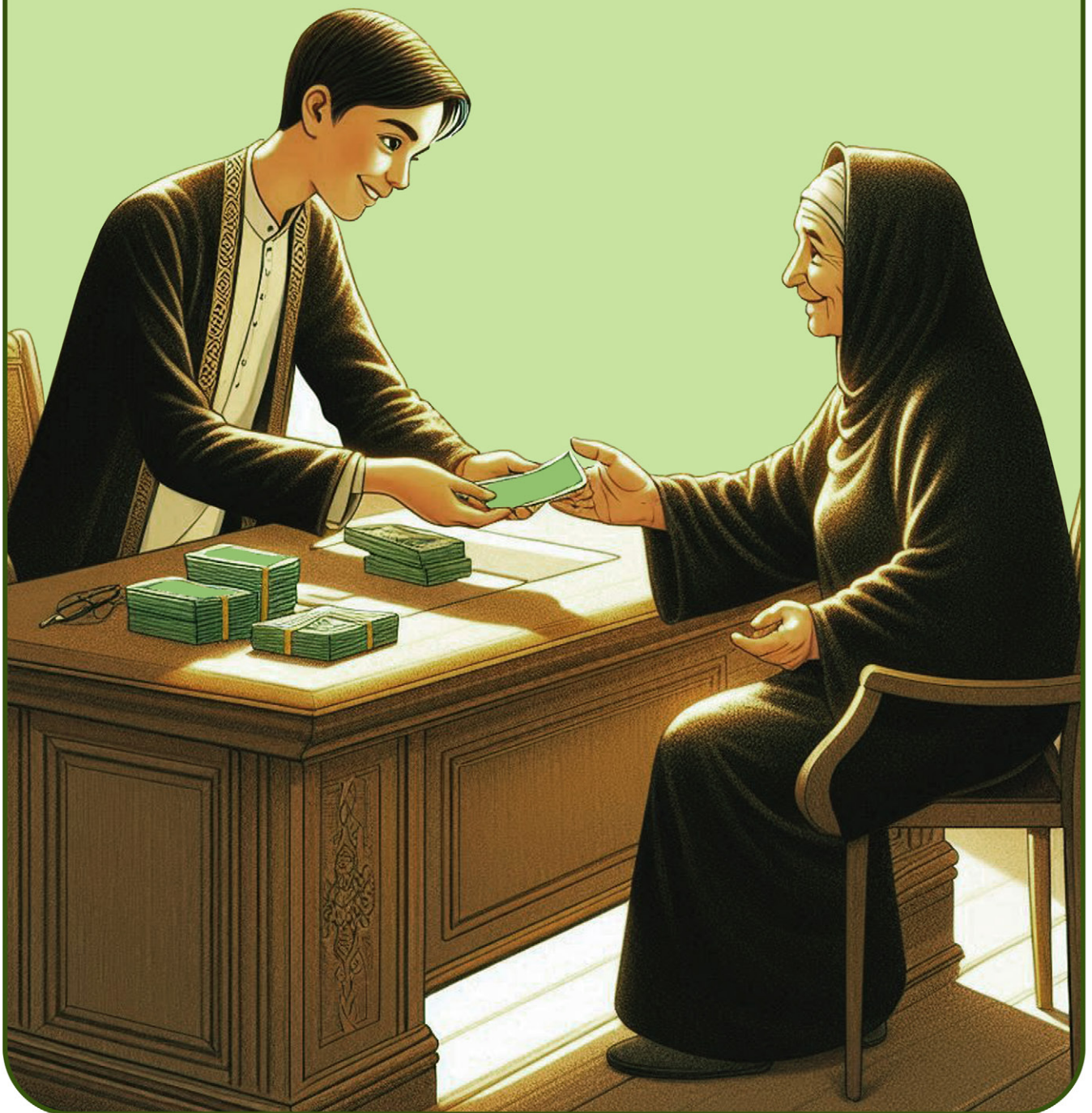
مناسبت‌های مختلف مثل شب یلدا، ماه‌رمضان، آغاز سال‌نو و سال‌تحصیلی کمک‌های مردمی را جمع‌آوری و توزیع کنیم. شورای هیئت ما ۱۲ نفر هستند که این نفرات ۵ نفر مسئولیت امورات خیریه را برعهده دارند. هدف اصلی ما جذب و پرورش نسل به نسل است تا این پرچم که سینه به سینه و دست بدست به ما منتقل شده است را به آیندگان تحویل دهیم. برای همین یک کانون فرهنگی به نام شهید روحی از مدافعان حرم کارهای تربیتی مجموعه را برعهده دارد. ما در حد وسعمان قدم برمی‌داریم و گام به گام جلو می‌رویم. سنگ بزرگ بر نمی‌داریم که

شکست بخوریم. ما هر قدمی که برمی‌داریم باید یک تکه از پازل جامعه مهدوی را تکمیل کنیم. اگر جامعه مهدوی سرشار از عدالت است و نیازمندی در آن نیست پس ما هم برای رسیدن به مساوات تلاش می‌کنیم. برای این که بخواهیم یک حرکت اجتماعی موفق را رقم بزنیم باید ابتدا نیازسنجی انجام داد و قدم دوم همراه کردن دل‌هاست. اگر دل‌های اطرافیان مثل اهل هیأت، مسجد و مدرسه جلب این کارخیر شد، دیگر کارها هموار می‌شود و اراده‌ها همسو خواهد شد.



پول مردم دست مردم

تجربه های موفق صندوق های قرض الحسنه



روایت حسینعلی محمدزاده

کنشگر با سابقه عرصه قرض الحسنه از رودبار

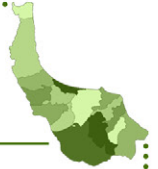
بنده حسینعلی محمدزاده متولد ۱۳۴۴ دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت، بازنشسته بانک صادرات، اهل رودبار استان گیلان و مروج صندوق‌های قرض الحسنه هستم. از زمانی که وارد بانک شدم یک خلاءای را می‌دیدم بین محل کار خودم و نحوه تعاملشان با مشتری‌ها و مردم. آنها مراجعه می‌کردند و نیازمند بودند ولی بانک شرایطی می‌گذاشت که مردم توان استفاده از این منابع را نداشتند. یا سودهایی می‌گرفتند که برای مردم سخت بود پرداخت این مبالغ ولی چاره‌ای جز تن‌دادن به این شرایط نداشتند. در ذهنم این بود که روزی بتوانم گره‌ای از کار مردم باز کنم دیدم بهترین کار همین صندوق‌های قرض الحسنه است. خداوند توفیق داد از سال ۸۶ در جمع به نام نامی حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) را راه‌اندازی کنم. این صندوق الان ۱۴۲ نفر



را راه‌اندازی کنم. این صندوق الان ۱۴۲ نفر روال کار بدین صورت است، هر عضوی یک کد عضویت می‌دهیم در ماه یک بود و حالا بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان افراد ۲/۵ برابر موجودی و سپرده می‌شود. مبالغ پرداختی در بانک که صندوق ما ثبت شده است بنده عنوان هیأت مدیره، حسابدار و دبیر نرم‌افزار تلفن همراه و هم از طریق ثبت مبلغی به عنوان کارمزد و هزینه دریافت نمی‌کنیم. اسم نرم‌افزاری که برای کار صندوق از آن استفاده می‌کنیم صندوقک هست. که حق عضویت، وام

عضو و ۵ میلیارد ریال موجودی دارد. که وارد صندوق می‌شود ما به آنها مبلغی را که ابتدا ۱۰۰ هزار تومان شناور است، می‌پردازند. به آنها در صندوق وام پرداخت ملی تجمیع می‌شود. از آنجایی که به عنوان مدیرعامل و سایرین به نقش ایفای کنیم. ما هم از طریق در دفاتر ورودی و خروجی پول را ثبت و هیچ

ها قسط‌بندی‌ها، سررسید شدن بدهی افراد را به شما نشان می‌دهد. این به مدیر صندوق کمک کار است ولی مشکلی که دارد این است که اعضاء صندوق به آن دسترسی ندارند و نمیتوان برای اعضاء پیام فرستاد. صندوق‌های قرض الحسنه در صورت حمایت دولت می‌توانند در آینده جایگزین بانک شوند اگر منابع دولتی در کنار سپرده مردم باشد می‌تواند نقش مهمی در جامعه ایفا کنند. صندوق قرض الحسنه خانگی مزایا و معایبی دارند. مزایای آن این است که ۱۰-۱۵ نفر جمع می‌شوند و یک قرعه کشی می‌کنند برای ۲۰ ماه و از یک تا ۲۰ را مشخص می‌کنند چه کسی وام را بر می‌دارد. عیب این کار این است که نفر اول ۲۰ تومان گرفته است با آن نفر آخری که ۲۰ تومان را گرفته مساوی نیست. نفر آخر دیگر ۲۰ تومان اش بعد از ۲۰ ماه ارزش ندارد و این عیب باید برطرف شود و راه هم دارد. اگر صندوق‌های کوچک باهم تجمیع شود و منابع کنار هم قرار بگیرد خروجی بهتری گرفته می‌شود. متأسفانه در جامعه نسبت به موضوع قرض الحسنه آن جدیت و اصراری که باید می‌بود از سوی مردم، حاکمیت و گروه‌های مرجع مثل روحانیت دیده نمی‌شود در حالیکه راه جلوگیری از ربا توسعه صندوق‌های قرض الحسنه است.



روایت

آرزو ضارب

کنشگر عرصه قرض الحسنه از آستارا



نفر من و همسرم پرداختها انجام می‌شود. در کشور صندوق‌های خانگی و محلی زیادی بوجود آمده است اما اساس آن بر قرعه‌کشی است که این یک مشکلی را ایجاد می‌کرد که وقتی فرد نیاز ضروری به وام داشت باید منتظر نوبت خودش می‌شد و فردی که قرعه به نام او درآمده بود الان نیازی نداشت. در بسیاری مواقع شما نیاز کوتاه‌مدت دارید یعنی یک ۲-۳ میلیون برای چند روز یا چند هفته لازم داری و نمی‌خواهی از کسی قرض بگیری یا کسی را نداری که از آن قرض بگیری. صندوق ما این مشکلات را حل می‌کرد. خانم‌هایی هستند که سرپرست خانوارند یا کسب و کار خانگی دارند و نیازهای کوچک مالی دارند و این صندوق هدف‌اش تأمین مالی خرد است. این روشی است که خود مردم مشکلات خودشان را حل می‌کنند. ما برای وام‌ها ثبت‌نام می‌کنیم. مثلاً فرد می‌گوید من در تیرماه نیاز به وام دارم، پیش آمده که در همان تاریخ فردی مراجعه می‌کند و نیاز شدیدی به وام دارد. این که عضو صندوق از حق خود می‌گذرد زیبایی‌اش قشنگی دارد که همدلی و انسجام اجتماعی مردم را در پی دارد.

اینجانب آرزو ضارب دارای مدرک مهندسی کشاورزی، مسئول صندوق قرض‌الحسنه روستای خشکه‌دهنه شهرستان آستارای استان گیلان هستم. ما از سال ۹۶ صندوق قرض الحسنه را راه‌اندازی کرده‌ایم و از سال ۱۳۹۷ مشغول وام‌دهی هستیم. تا بهمن‌ماه سال گذشته ۸۵ عضو داشتیم و چون تعداد اعضاء گروه بالا رفت و محله باغچه سرا را جدا کردیم و تبدیل به دو صندوق شد که هر کدام ۴ گروه ۱۰ نفره دارند، یعنی گروه‌های ۲۰ نفره را نصف کرده‌ایم تا کار راحت‌تر جلو برویم. اعضاء صندوق هر ماه مبلغی را به‌عنوان حق عضویت صندوق می‌پردازند. مبالغ که جمع می‌شود ما شروع می‌کنیم به وام‌دهی. وام‌ها با هدف گره‌گشایی معیشتی و کمک‌هزینه امور جاری مثل هزینه‌های درمانی و کسب و کار خانگی است. به‌غیر از این ما کسانی که کارآفرینی خرد می‌کنند مثل پرورش طیور یا گلخانه‌های کوچک خانگی، شناسایی و آن‌ها را برای دریافت وام به نهادهای مربوطه معرفی می‌کنیم. سطح پرداختی از صندوق خود ما در حد ۴-۵ تا ۸ میلیون است. حساب صندوق در یک بانک است که با سه امضاء پرداخت‌ها انجام می‌شد که حالا یک نفر خارج شده و با امضاء دو



روایت

یوسف لقمان نیا

مروج صندوق های قرض الحسنه از شهرستان آستارا

اینجانب یوسف لقمان نیا ۳۹ ساله دارای مدرک فوق لیسانس، مروج صندوق های قرض الحسنه و مسئول صندوق شهید سیاوش لقمان نیا شهرستان آستارا استان گیلان هستم. من از سال ۹۶ براساس آموزش هایی که در بسیج سازندگی دیده بودم شروع به ترویج صندوق های قرض الحسنه در سطح روستاها و شهر آستارا کرده ام و در این ۶ سال ۹۰ صندوق قرض الحسنه در روستاها، محلات و مساجد راه اندازی نموده ام. صندوق شهید سیاوش لقمان نیا را هم در بین خانواده و اقوام خودم راه اندازی کرده ام که ۳۵ عضو دارد. این صندوق از سال ۹۷ راه اندازی شده است و در ماه مبلغ ۷ میلیون تومان به یک یا دو عضو پرداخت می شود و حق عضویت صندوق ماهیانه ۵۰ هزار تومان می باشد. روال کار صندوق ها به این ترتیب است که سه نفر را به عنوان معتمد صندوق محله یا مسجد و خانواده انتخاب می کنند. این سه نفر یک حساب مشترکی را در بانک قرض الحسنه افتتاح می کنند و به عنوان سرگروه هم این افراد محسوب می شوند که ۸.۷

نفر الی ۳۰ نفر عضو دارند. اکثر صندوق های ما هر سرگروه حدود ۱۲ نفر عضو دارد و معمولاً با مبالغ اندک افتتاح حساب شروع می شود. ما صندوق ای داشته ایم که با حق عضویت ۱۰ هزار تومانی شروع به کار کرد. الان هم بعد ۶ سال هنوز هم همان مبلغ را پرداخت می کنند که هر ماه ۳.۲ میلیون به چند نفر پرداخت می کنند که در یکی از روستا های اطراف آستارا مشغول فعالیت هستند.

هر صندوق وقتی شش ماه به صورت منظم فعالیت کرد از ماه هفتم به اعضا می تواند وام پرداخت کند. مبلغ وام سه تا ۷ برابر موجودی عضو می باشد که با درخواست سرگروه آن وام تعلق می گیرند. وام های ضروری معمولاً سه برابر موجودی افراد می دهیم ولی وام های اشتغال را تا ۱۰ برابر موجودی با توجه به تأیید معتمدان صندوق پرداخت می شود. صندوق ها چون حالت مشارکتی دارد و اعضا مشکلات همدیگر را می دانند و توافق جمعی وجود دارد در موارد سخت اعضا دست هم را می گیرند. معمولاً هر یک ماه یکبار دوماه یکبار دورهم جمع می شوند اگر مسجد باشد در مسجد، اگر خانوادگی باشد در خانه یکی از اعضا این اتفاق می افتد. ما آیین نامه ی مربوطه را با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی در آستارا کمی تغییر داده ایم و به نوعی آن را بومی کرده ایم. هر عضو صندوق در هر زمانی که بخواهد از صندوق خارج شود می تواند طی سی روز همه ی پس اندازش را از صندوق پس بگیرد و خارج شود.



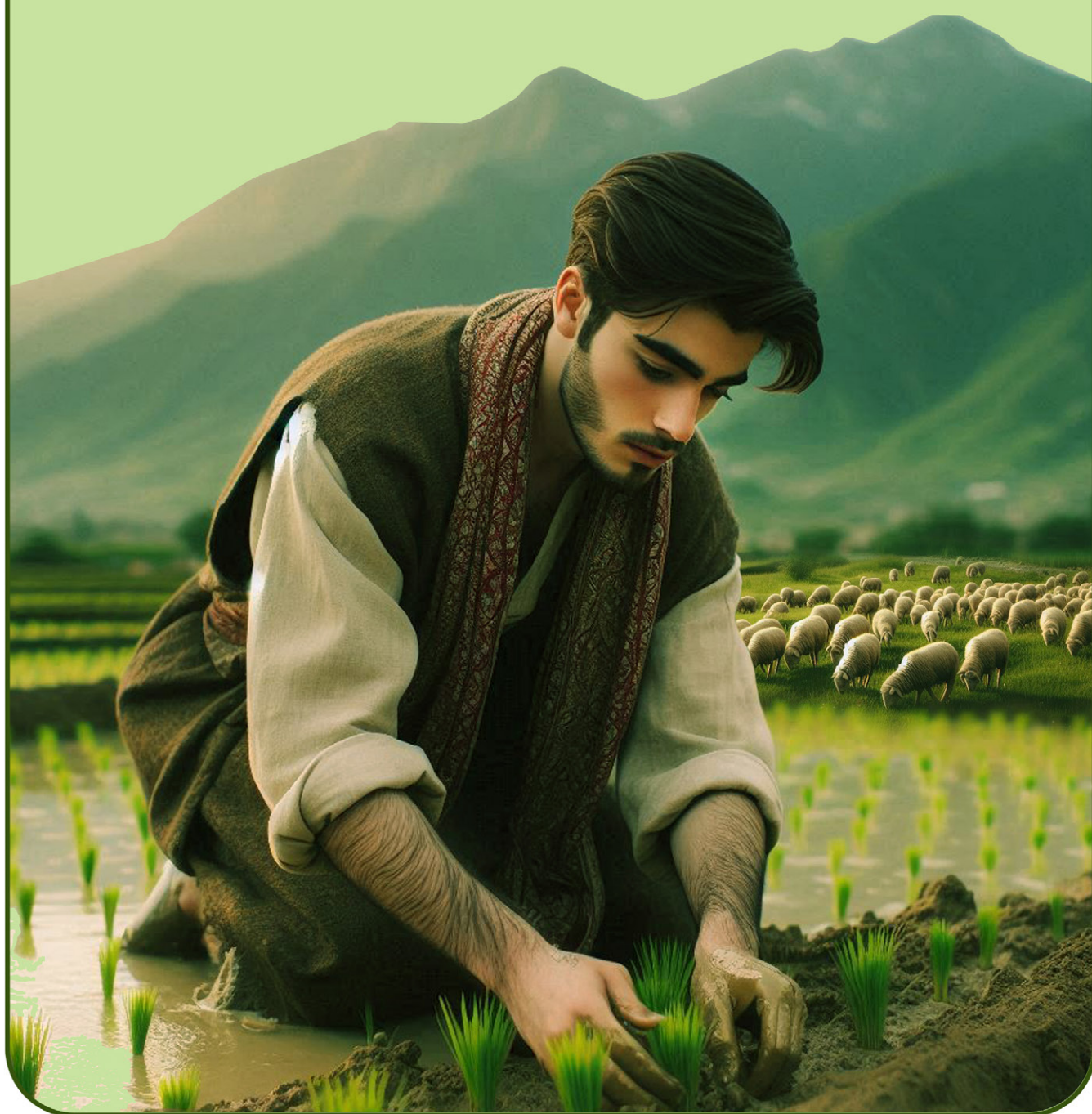


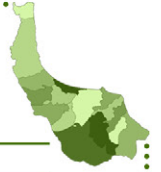
سرگروه شوید و ۱۲۱۰ عضو را با خود به صندوق ببرید و به آنها وصل شویم. مزیت این صندوق ها این است که دیگر قرعه‌کشی وجود ندارد و اعضا بر اساس نیاز و تفاهم با همدیگر وام را پرداخت می‌کنند. هرچقدر دیرتر عضو درخواست وام کند مبلغ بیشتری می‌تواند وام بگیرد. بنابراین تا وقتی که ضرورت نداشته باشد درخواست نمی‌دهد. با توجه به حسابی که در بانک قرض‌الحسنه باز شده است از گردش آن هم مبلغی را می‌توان به سپرده‌ی اعضا اضافه کرد و مبلغ بیشتری را وام داد. هدف اصلی گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه، همدلی، دستیاری از یکدیگر بوده که الحمدلله اتفاق افتاده است.

در این مدل صندوق‌های مردمی نیاز هست که همه‌ی اعضا به‌خوبی توجیه شوند. یکی از دوستان خودم که در صندوق مسجد عضو بود بعد از مدتی گفت چیه این صندوق فقط هر ماه ما باید سی هزار تومان پرداخت کنیم. از او پرسیدم الان چقدر پس‌انداز داری؟ گفت: یک میلیون و هشتصد هزار تومان. گفتم: ما الان ۵ میلیون تومان وام بدون بهره به شما بدهیم خوب است یا اینکه پس‌اندازت را خارج کنی و بروی؟ گفت من نمی‌دانستم که وام هم می‌دهید. فکر می‌کردم یک مدل خیریه است. این یعنی عضو به‌خوبی توجیه نشده است. بعضی صندوق هستند که تعداد اعضای آنها خیلی زیاد است برای اینکه بتوانید عضو آنها شوید باید خودتان

سزعه پدری

تجربه های موفق کانون های حمایت از کشاورزی، دامپروری و تولیدات روستایی





فرآیند حرکت نهضت در کانوهای کشاورزی

اولین گام در نهضت تولید محتواست. گام دوم این است که در استان ها افراد متخصص برای میز تخصصی شناسایی شوند در گام سوم باید مسئولین میز تخصصی کشاورزی در استان ها آموزش داده شوند. این سه گام در واقع یک عملیات است که نیاز به زمانبندی دارد و برای هر گام مدت زمان تعیین کنیم. باید در همه شهرستان ها مسئول میز تخصصی داشته باشیم که همه ی این مسئولین را در استان آموزش دهیم. به عنوان مثال استانی که ۲۰ شهرستان دارد باید ۲۰ مسئول میز تخصصی وجود داشته باشد که همه در استان آموزش ببینند و بعد وارد بحث گروه های مردمی و نحوه شناسایی گروه های مردمی شویم.

گروه های موجود در عرصه کشاورزی چگونه دسته بندی می شود؟

- ۱- کشاورز پیشتاز ، نوآور و ریسک پذیر
- ۲- کشاورز پیشکسوت که دارای تجربیات و دانش بومی محلی و سنتی است.
- ۳- شرکت های تعاونی کشاورزی و دامداری
- ۴- فارغ التحصیلان دانشکده ها و هنرستان های کشاورزی
- ۵- بزرگان صنعت کشاورزی که در صنایع تبدیلی فعال هستند
- ۶- سازمان های مردم نهاد و سمن ها مانند باشگاه کشاورزان جوان
- ۷- گروه های جهادی که در حوزه کشاورزی کار تخصصی می کنند
- ۸- گروه های درختکاری و محیط زیستی

روش شناسایی اینسپ افراد از اینسپ طرق می باشد:

- ۱- حضور در روستا و تکمیل پرسشنامه به این ترتیب که در روستاها حضور یابیم و از ساکنین بخواهیم افراد موفق را به ما معرفی نمایند. پس نیاز به طراحی پرسشنامه است.
- ۲- مراجعه به دانشگاه به این صورت که به دانشگاه های هر استان مراجعه کنیم تا دانشجویان نخبه را به ما معرفی نمایند.
- ۳- مراجعه به سازمان تعاون روستایی
- ۴- مراجعه به جهاد کشاورزی شهرستان
- ۵- برگزاری پویش و فراخوان
- ۶- مراجعه به نهادها برای گروه های جهادی کشاورزی

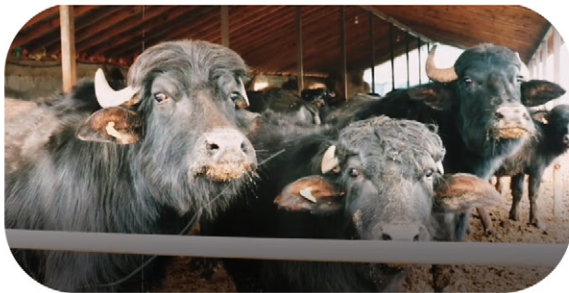


فاطمه درساوی

روایت

دامدار مبتکر اهل رضوانشهر

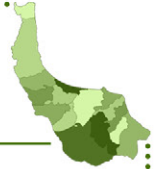
باید باهم شیرشان را می‌دوشیدیم چون تعدادشان زیاد بود، نمی‌توانستیم بدوشیمشان. در روستا معمولاً گاومیش‌دارها با همدیگر می‌دوشیدند و آن قدر کار سختی بود که گاهی تا دوازده شب مشغول بودند. من هم دست‌هایم آن قدر طاقت



نداشت که بخواهم بنشینم شیر همه گاومیش‌ها را بدوشم. یکی‌دو تا را می‌دوشیدم و خسته می‌شدم. روی دست مادرشوهرم نگاه کردم که چگونه پنیر درست می‌کند. پنیر می‌زدم و می‌فروختم. اوایل، درآمدمان کلاً با فروش پنیر بود. پولش زیاد نبود؛ ولی برای گذران زندگی خوب بود. گاومیش، شکلش شبیه گاو است؛ ولی خصوصیت‌هایش را دارد. طبع لبنیات و گوشتش گرم است. کلسترول پایین و پروتئین بالاتری دارد و قدرت جذب فیبرش هم بالاست. گاومیش بیماری‌هایی مثل آبله، یرقان و تب سه روزه را نمی‌گیرد و خیلی مقاوم است. به خاطر نوع غذایی که استفاده می‌کند، مثل پسماند محصولات غذایی و پوست مرکبات و گوجه‌فرنگی، خیلی مقرون‌به‌صرفه است. شیرش خیلی کم‌تر از گاو است؛ ولی غلظت و چربی و

بنده فاطمه درساوی اهل شهرستان رضوانشهر استان گیلان هستم. من دختر ضعیفی نبودم؛ چون بچه جنگ بودم. یک‌سال و نیم سن داشتم که جنگ شد و از آبادان به شیراز آمدم. آن زمان، شیر و نان سهمیه‌بندی بود و ما از بچگی مبارزه با سختی‌ها را یاد گرفته بودیم. پایین محله شیراز زندگی می‌کردیم. حالا زندگی در روستای هاشم‌آباد رضوانشهر هم سختی‌های خودش را داشت. ساعت شش صبح بلند می‌شدم و می‌رفتم داخل دامداری. شوهرم سر گاو را می‌گرفت و من ته گاو را می‌گرفتم تا بدوشمش که یک ذره شیر بیاید، هم خودمان بخوریم، هم پنیر کنیم و بفروشیم. من بچه‌شهری و درس‌خوان، یک‌دفعه‌ای از شهر بلند شده و آمده بودم جایی که باید می‌گشتم هیضم جمع می‌کردم تا بخاری هیضمی را روشن نگه دارم! آب هم نبود؛ از چاه باید آب می‌آوردم تا ظرف بشویم یا غذایی درست کنم! همسرم از صبح می‌رفت تا غروب. یک اسب داشت، یک سگ هم داشتیم که می‌رفت دنبال گاومیش‌ها و غروب می‌آوردشان. آن موقع تازه مصیبت شروع می‌شد؛





رضوانشهر که حول و حوش هفتصد راس گاو میش اصلاح شده دارد؛ اینکه همسر من مدیر پروژه است؛ خیلی برای کارمان تلاش کرده ایم و من مدیر مالی تعاونی هستم. از طرف ایران و به عنوان یک کشور آسیایی که صحبت می‌کنم، کشورهای دیگر تعجب می‌کنند و می‌گویند: مگر می‌گذارند خانم‌ها همچین کارهایی بکنند؟! واقعاً چنین کارهایی در ایران انجام شده، آن‌هم زیر فشار تحریم؟! با همه‌ای که علیه ایران وجود دارد، خیلی ذهنیت بدی دارند و تعجب می‌کنند که یک خانم می‌آید و می‌گوید من مدیر یک تعاونی هستم. می‌گویند: مگر توی ایران می‌گذارند یک خانم مدیر باشد؟ می‌پرسند: واقعاً سیصد تا دامدار زیر نظر خانم هست؟! اصلاً نکند به اجبار حجاب روی سرت هست؟! گذشته ما را که به چشم دیدند، می‌گفتند این زن و شوهر هیچی نداشتند؛ توی آن انباری زندگی می‌کردند؛ ماشین هم نداشتند؛ الان با گاو میش داری، وضعیتشان این قدر خوب شده که خارج می‌روند. مگر با گاو میش داری هم آدم می‌تواند برود خارج؟! مگر با گاو میش داری می‌شود دو تا ماشین و خانه گرفت؟! پس گاو میش داری سود دارد. به تدریج و با توسعه تعاونی گاو میش داران و حل مشکلات گاو میش داری سنتی به کمک اصلاح نژاد، خیلی از جوان‌ها به روستا برگشتند و به کار آبا و اجدادی‌شان رو آوردند.

سال ۱۴۰۱ آقای گل‌دینز، عضو اصلی فدراسیون گاو میش از من خواست که تجربیاتم را به عنوان یک دامدار نمونه که عملکرد خوبی داشته‌ایم، بگویم. این تجربیات در مجله نیوز لایف چاپ شد؛ مجله‌ای تخصصی در زمینه گاو میش که در ۵ تا قاره چاپ و برای ۴۷ کشور ارسال می‌شود. برای تمام نقاط کشور آموزش داریم.

پروتئینش بالاتر است. میزان شیری که می‌دهد حدود هفت هشت کیلوست؛ ولی گاو میش اصلاح شده ده دوازده کیلو شیر هم می‌دهد. قیمت شیرش بالاتر است و مشتقات بیشتر و گران‌تری هم دارد. شیرش عین یک چاه نفت می‌ماند. هرچقدر فرآوری انجام شود، ارزشش بیشتر می‌شود. گاو میش از قدیم بوده و تا الان نسلش ادامه پیدا کرده است و در آینده نیز نقش مهمی دارد؛ برای همین به آن می‌گویند «دام هزاره سوم». از این به بعد هم هرچه به سمت خشک‌سالی می‌رویم، می‌تواند خودش را حفظ کند. چون زبانم خوب است، در اغلب کنگره‌ها خودم صحبت می‌کنم. از کارهایمان در ایران می‌گویم؛ از روستایمان در

for the Detection and Quantification of Cow DNA in

ale Fraulo, Francesco Paolo Serpe, Pasquale Gallo,
gelo Citro and Federico Capuano
org/10.3390/ani11051270 - 28 Apr 2021

cture of Turkish Water Buffalo Population by Using

if Geyik Kuş and Mehmet İhsan Soysal
v/10.3390/ani11041067 - 09 Apr 2021

review

ldo Iannuzzi
10.3390/ani11113109 - 30 Oct 2021

ms in Tropical Latin America: Bases for a

ta-Rojas, José Luis Dávalos and Antonio

390/ani11102910 - 08 Oct 2021

ding in Buffalo and Other Farm Animals

Francesco Serrapica, Ada Braghieri,

ani11071968 - 30 Jun 2021

TECHNICAL SECTION

Introduction of excellent Nikaokar Buffalo Farm in Gilan province



Gilan is one of very green provinces which is located in North of Iran, South of Caspian Sea with moderate and humid weather. Gilan province is one of the old habitats of local river buffaloes. Based on some official estimation, there were 18000 heads of river buffaloes in Gilan province in 2005. But, unfortunately, because of different reasons such as:
A mass villa construction in rangelands by urban people (More added value compared to buffalo husbandry)
Gradual development of urbanization in rural areas
B- Development of tourism, thereby, change traditional village structure and decrease rangelands which were being grazed by buffalo

At present (2021), 6 heads of buffaloes been identified



محمد جواد فرج‌نیا

روایت

دامپرور اهل شهرستان آستارا

محصولات
با ارزش افزوده
بالا تولید کند باید

مدنظر قرارداد. همین محصول برنج که ۲ سال گذشته ۱۵۰ هزار تومان هر کیلوی آن خریداری می‌شد با وجود تورم افسار گسیخته سال گذشته ۷۰ هزار تومان عرضه شد. بنابراین برای پایداری و تاب آوری در برابر نوسانات یکسبدتولید باید داشت که در صورت کاهش قیمت در یک کالا بقیه بتوانند جبران کند. ما یک مزرعه هم داریم که لیمو ترش پرورش می‌دهیم این نهال که از جمهوری آذربایجان آورده‌ایم می‌تواند در تمام فصول محصول دهد. محصولات ما به استان‌های مختلف صادر می‌شود.

از اصفهان و شیراز تا تهران این تولیدات عرضه می‌شود. اما ماهیان گرم آبی به خاطر

مصرف بالای درون استان بیشتر در خود استان مصرف می‌شود. دامداران تعاونی دارند و در گروه‌های آن تبادل تجربیات می‌کنند ما هم از دانش دیگران استفاده می‌کنیم هم تجربیات خودمان را انتقال می‌دهیم. ما باید اقتصاد تولید را در اولویت قرار دهیم. قیمت تمام شده تولید در ایران بسیار بالاست. خرد شدن و کوچک شدن زمین‌ها

اینجانب محمدجواد فرج‌نیا ۴۳ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران و فعال حوزه کشاورزی و دامداری شهرستان آستارا استان گیلان هستم. ما در هر سه بخش پرورش ماهیان گرم آبی- پرورش دام و گلخانه گل‌های زینتی و آپارتمانی مشغول به کار هستیم. بخش تولید یک بخش پر مخاطره و باریک‌بالا در کشور ما محسوب می‌شود و برای اینکه در کشاورزی و دامداری موفق شوید باید درک صحیحی از مکانیزم بازار داشته باشید. الان قسمت دامداری ما به صورت حداقلی فعالیت می‌کند زیرا با توجه به نیاز بالای استان گیلان به گوشت اما تولید در آن مقرون به صرفه نیست و بسیاری از واحدهای تولیدی استان تعطیل کرده‌اند. درحالی‌که استان همجوار ما اردبیل به سبب کشت گسترده یونجه و تامین کاه از خود استان گوشت نیمی از ایران را تامین



می‌کند. بنابراین وقتی در استان مواد اولیه خوراک دام وجود ندارد نباید به سمت تولید آن حرکت کرد. در مورد آبزیان هم ماهی‌های سرد آبی به صورت گسترده در استان همجوار تولید می‌شود. بنابراین ظرفیت و قابلیت شهرستان در تولید ماهیان گرم آبی است. به سبب پهنه جنگلی در استان گیلان و وجود شالیزارها زمین برای زراعت محدودیت دارد. بنابراین گلخانه‌ای که بتواند در کمترین فضا بیشترین تولید را داشته باشد و





عدم استفاده از ادوات کشاورزی، نیروی انسانی متناسب با فعالیت باعث شده است که کشت محصول استراتژیکی مثل برنج را رها کنیم و کل منطقه تبدیل به باغ کیوی شود. در قضیه چای هم همین مشکل وجود داشت، وقتی دولت با ارز ارزان ۴۲۰۰ تومانی برای واردکننده رانت و برای کشاورز خارجی یارانه پرداخت می‌کند قیمت چای ایرانی با چای خارجی قابل رقابت نبود. دیدیم که با حذف این رانت و واقعی شدن قیمت محصول خارجی چگونه تولید ایرانی جای خود را در بازار پیدا کرد. در محصول برنج هم دولت باید خودش را از بازار بیرون بکشد و دادن ارز ارزان به محصول خارجی قطع کند و بگذارد در یک فضای رقابتی و واقعی هر محصول به فروش برسد.





روایت اسماعیل صدیق

دامپرور اهل شهرستان سیاهکل

آن است. برای همین تلاش میکنم در منطقه خودمان این آموزش‌ها را جهت بالا بردن بهره‌وری و افزایش تولید در اختیار سایر دامداران قرار دهم. در حال تجهیز یک سالن جدید هستیم که شاهد یک گله بز ساتن شیری و گوشتی خواهیم بود که شیر آن در حد ۲ تا ۳ کیلو شیر گوسفند و چندقلوزا خواهد بود. در ۱۰ ماه گذشته ما توانسته‌ایم از هر بز ۲ بار زایش داشته باشیم. یکبار در بهار زایش داشته و مجدداً دوباره زایش داشته است و بره‌ای که اول بهار خودش بدنیا آمده الان زایمان کرده و ۲ قلو بدنیا آورده

است. شیر تولیدی مجموعه ما بسیار باکیفیت است و شیری شبیه شیرمادر در انسان‌ها تولید میکند. این شیر انسولین طبیعی تولید می‌کند که برای بیماران دیابتی مفید است. پنیری که تولید می‌کنیم بدون نگهدارنده، ارگانیک، فاقد آنتی‌بیوتیک و با شهرها مثل تهران صادر می‌کنیم. هر کس می‌خواهد این کار

را شروع کند باید یک سالن صد متری داشته باشد که حداقل ۵۰ رأس دام سبک را بتواند تهیه کند. سرمایه مورد نیاز در حدود ۲ میلیارد تومان است. هر سه ماه یکبار گله از ۵۰ رأس به ۱۵۰ رأس تا افزایش پیدا می‌کند و سود ۵۰۰ میلیون تومانی حاصل می‌شود. در این مسیر خانواده من همراهی خوبی داشته‌اند و با سختی‌ها و مشکلات ساخته‌اند. پدر و پسر در دامداری با من همکاری می‌کنند و در خانه هم همسر با تولید محصولاتی مثل پنیر در این کار مشارکت دارد.

بنده اسماعیل صدیقی مروج دامداری و اهل و ساکن شهرستان سیاهکل استان گیلان هستم. فعالیت من در سه حوزه دام، طیور تخمگذار و طیورگوشتی هست. سه پروژه جداگانه در حال انجام است. دام ما هم از دام سبک مثل گوسفند گوشتی و هم بز ساتن فرانسه که با اصلاح نژادی در چند سال متناسب با آب و هوا منطقه تکثیر شده‌اند. بز محلی را هم در چند مرحله اصلاح نژاد انجام داده‌ایم تا عملکردش بهبود پیدا کند. تعاونی دامدارانی تشکیل شده است که به افراد آموزش می‌دهند چگونه یک واحد دامداری به صرفه را ایجاد و اداره کنند. یعنی چه نژادی را تکثیر و پرورش

دهند و خوراک دام و نحوه جیره‌بندی را آموزش می‌بینند. الان اصلاح نژاد دام‌های سنگین آنهارا پیشنهاد داده‌ایم که از جنین اصلاح نژاد شده برای دام‌های خودشان استفاده کنند. جنین‌ها از طریق پژوهشگاه تهیه شده و لقاح مصنوعی صورت می‌گیرد و در آینده با این روند صاحب یک گله اصیل می‌شوند که با آب و هوای منطقه تطبیق دارد. فرمایش

مقام معظم رهبری در مورد تأمین امنیت غذایی سبب شد ما در این راه قدم برداریم و به دنبال خوداتکایی حوزه دام کشور باشیم. من خودم از طریق دکتر نوریان استاد دانشگاه رازی که ۲۲ سال در حال تدریس و تحقیق در این حوزه هستند و ۱۰ کتاب نوشته‌اند آموزش دیده‌ام. ایشان آموزش‌هایشان را به صورت رایگان همین ماه در قم برگزار کردند که بچه‌ها فقط یک میلیون و پانصد هزینه خوراک را پرداخت کردند. زکات علم هم آموزش دادن





غفور رحیمی

روایت

زنبوردار و دامپرور اهل صومعه سرا



کمی پیچیدگی دارد به علت اینکه بسیاری از زنبوردارها عسل را به روش طبیعی پرورش نمی‌دهند. قیمت تمام شده و بهایی که محصول ارایه می‌دهند بسیار پایین است. برای مردم هم شناخت عسل طبیعی از عسل تقلبی و غیرارگانیک سخت است. راهی هم برای ثابت کردن اصالت کالا نیست. وقتی در بازار عسل ۱۰۰ هزار تومانی هست مردم نمی‌آیند عسل ۵۰۰ هزار تومانی را بخرند. یکی از مشکلات دامداری در منطقه ما منابع طبیعی است. این اداره در استان دور زمین‌ها سیم خاردار کشیده تا دام در مراتع و جنگل‌ها نرود. در صورتی که نسل به نسل این مراتع در اختیار همین مردم بوده و به خوبی از آن نگهداری کرده‌اند و در کنار آن بهره‌برداری مورد نیاز خود را هم انجام داده‌اند. وقتی یک نفر می‌خواهد کاری را شروع بکند اول باید برود پیش کسی که واقعاً در آن رشته ماهر است، یک مدت پیش آن فرد کار بکند ببیند می‌تواند آن کار را انجام بدهد. اینجوری نباشد یک بار خودمان را داخل کاری بیاندازیم بعد ببینیم اهل آن کار نیستیم.

اینجانب غفور رحیمی متولد سال ۱۳۷۰ دارای مدرک فوق دیپلم عمران فعال حوزه دامداری و کشاورزی و ساکن روستای تنیان شهرستان صومعه سرا استان گیلان هستم. فعالیت ما معطوف به دامداری و زنبورداری است. من تا یک مقطعی تحصیل کردم و دنبال کارمند شدن بودم دیدم از این مسیر به جایی نمی‌رسم تصمیم گرفتم برگردم روستا همان شغل پدری را ادامه دهم. ما هم دام سبک داریم و هم دام سنگین و به صورت سنتی پرورش می‌دهیم نه مدل صنعتی. شیر تولیدی را تحویل تعاونی‌های جمع آوری شیر می‌دهیم و گوسفندها را هم بعد از پرواربندی به وقت مناسب به بازار عرضه می‌کنیم. اگر کسی بخواهد دام را از پله اول شروع کند می‌تواند با ۲۰۰ میلیون وارد کار شود و آرام آرام کارش را توسعه دهد. ما ۴۱ عدد کندوی زنبور عسل داریم که به همراه پدرم پرورش می‌دهیم. فروش محصولات پایه عسل





علی اصغر ملک‌نیا

روایت

کشاورز مبتکر اهل شهرستان آستارا

دیر رس بودند و با کشت برنج تداخل داشت و برای شناسایی نوع زودرس گندم این مجموعه تحقیقاتی را با همکاری جهاد دانشگاهی راه اندازی کردیم. نتایج حاصل از مقایسه ارقام هم برای کشاورزان سودمند باشد و هم برای خودمان. مجموعه تحقیقاتی برنج ما حدود ۲۵ هکتار است. از سال ۷۵ افتتاح شده است و یک مجموعه آزمایشگاهی است برای مقایسه ی ارقام مختلف برنج است و هر سال گونه های برنجی که در شالیزارهای مختلف شناسایی می کنم که برخی از آن ها از طریق تلقیح مصنوعی خوشه های بزرگی می دهند به این مجموعه انتقال می دهم. هر خوشه ای که شناسایی می کنم به مدت ۵ سال روی آن مطالعه می کنم و در صورت حفظ کیفیت و زود بازدهی و مقاومت در برابر آفات و کم آبی آن گونه را برای کشت انتخاب کنم. یکی از گونه ها را که انتخاب کرده ام که ۵ سال است روی آن کار می کنم. اول ۱ خوشه بود آن را تبدیل کردم به ۴ کیلو و بعد ۴ کیلو را به ۶۵۰ کیلو افزایش دادم و آن ۶۵۰ کیلو را در ۵ هکتار کاشتم و این گونه را بین کشاورزان کل منطقه توزیع کردم تا آن ها نیز کشت کنند.

اینگونه از ۱۳ تن تا ۱۸ تن نسبت به نوع خاک محصول می دهند. خودم حدود ۲ و نیم هکتار زمین برای این محصول اختصاص داده ام.



اینجانب علی اصغر ملک‌نیا فعال حوزه کشاورزی در شهرستان آستارا استان گیلان هستم. در این مجموعه تحقیقاتی در زمینه ی ارقام مختلف گندم تحقیق می کنیم. بنده ۳۵ هکتار شالیزار دارم به منظور استفاده بهینه از این شالیزار که هر سال به مدت ۹ ماه بلا استفاده می ماند، از این فرصت فصلی استفاده کرده و ۱۲ نوع گندم و ۱۲ نوع جو را از سراسر ایران جمع آوری نموده ام و در این مجموعه کاشته‌ام تا محصولی که زود نتیجه می دهد و برای غرب گیلان مناسبتر است را به عنوان کشت دوم استفاده کنیم. ما یک مجموعه تحقیقاتی هم برای کشت برنج داریم که ارقام مختلف برنج را به صورت آزمایشی می کاریم و در نهایت برنجی را که در کوتاهترین زمان محصول بیشتری می دهد و نسبت به کم آبی نیز مقاوم است برای کشت در شالیزار انتخاب می کنیم. کشت دوم علاوه بر تقویت زمین و فعال کردن میکرو ارگانیسم های خاک، زمین را برای کشت بعدی برنج آماده تر می کند تا محصول بیشتری بدهد. قبلا ما این زمین ها را به کشت شبدر و علوفه های دامی اختصاص می دادیم ولی چون گندم یک محصول استراتژیک است و همچنین به دلیل زهکش مناسب زمین هایمان برای گندم اقدام به کشت این محصول کردیم.

بنده برای اولین بار سال پیش بخشی از شالیزار را به کشت گندم اختصاص دادم که یک مقدار



شالیزار را به هفت قسمت تقسیم کرده ام در هر قسمت یک نوع برنج می کارم یک سال برنج سیاه کاشتم که یک نوع برنج با خاصیت درمانی است. ما روش بذر مال را هم اجرا کرده ایم که برای مقابله با انواع آفات است. یک نوع سم هست که با کودهای شیمیایی ترکیب می شود یا در داخل آب ریخته می شود و بذرها یک روز داخل آن قرار می گیرد بعد از یک رو از سم خارج می شود و بعد از جوانه زدن به شالیزار منتقل می شود. ما بانک نشاء هم داریم. بنده از تلقیح برنج سیاه و برنج معمولی نوعی برنج قرمز به دست آورده ام که حدود ۴ کیلو است و

گونه های معمولی ۴ الی ۵ تن و اگر پر محصول باشد تا ۶ تن محصول می دهند. هر خوشه ی این گونه ۳۰۰ دانه دارد در حالی که سایر گونه ها ۵۰ یا ۷۰ دانه دارد. این گونه ای که شناسایی کرده ام مقاوم در برابر باد است و در زمان وزش باد نمی خوابد، چون ساقه ی آن سیلیس زیاد دارد در برابر کرم ساقه مقاوم است، مقاوم در برابر سرما و کم آبی است، زود بازده است و حدود ۲۵ روز زودتر از نوع بومی برداشت می شود، چون ساقه ی بلندی دارد دانه های آن بالای ۲۰۰ عدد است. نسبت به سایر برنج ها دراز تر و موقع پخت نرم تر است و رستوران ها از این نوع برنج



امسال قصد کشت آن را دارم. یکی از اقدامات ما تولید بچه ماهی به منظور رهاسازی و تکثیر در شالیزارهاست. ماهی های مادر را در استخر نگهداری می کنیم و وقتی بچه ماهی ها تولید شدند بعد از برداشت برنج آب بندی می کنیم و بچه ماهی ها را در آن جا رها می کنیم تا در فرصت ۶ ماهه ای که شالیزارها بلا استفاده می ماند کار پرورش ماهی را انجام دهیم. عمق آب بالای ۵۰ سانت است. ماهی هایی که در اینجا پرورش می دهیم کپور، قزل آلا، ماهی های گرمابی است. حدود ۱۲ استخر درست کرده ایم که ماهی های مادر در آن جا تخم ریزی می کنند و حدود ۴ میلیون بچه ماهی تولید می شود سپس اینها را در شالیزارها و کانالها رها می کنیم. آبی که ماهی ها در آن پرورش می یابند آبی غنی از مواد آلی شده است و برای آبیاری زمین های زراعی مفید است. ما هر ۶ ماه ۱۲ تن ماهی از اینجا برداشت می کنیم و چون آب شالیزار مواد مغذی لازم را دارد هزینه ی پرورش ماهی ها در اینجا کمتر از استخر است.

استقبال می کنند. شبیه برنج هاشمی است. درصد چربی بیشتری نسبت به سایر گونه ها دارد. موقع پخت شفته نمی شود. ما نزدیک ۴۰ تن بذر برنج توزیع کرده همه از کشت آن راضی بودند. ۶۰ تن هم بذر آماده برای توزیع به مشتریان دارم. بذر این گونه را کیلویی ۵۰ تومان می فروشم. ارزان می فروشم که همه توانایی خرید و کشت آن را داشته باشند. بذر هاشمی را ۲۰۰ تومان می فروشم در حالی که سایر کشاورزان ۲۲۰ تومان می فروشند. قیمت این برنج کیلویی ۷۵ هزار تومان است. این نوع برنج نسبت به سایر برنج ها از جمله شیروودی بسیار با کیفیت و مقرون به صرفه تر است. چون شیروودی و سایر ارقام ساقه های خوابیده دارند کشاورزان زمان درو کردن دچار مشکل می شوند بعلاوه خوشه های زیرین نارس و گنبدیده می شوند. مجموعه ی تحقیقاتی ما آمادگی آموزش به همه را دارد. قسمتی از آزمایشگاه برای آموزش و انجام آزمایشات تز دکتری دانشجویان اختصاص یافته است. برای بهبود فعالیت ها من



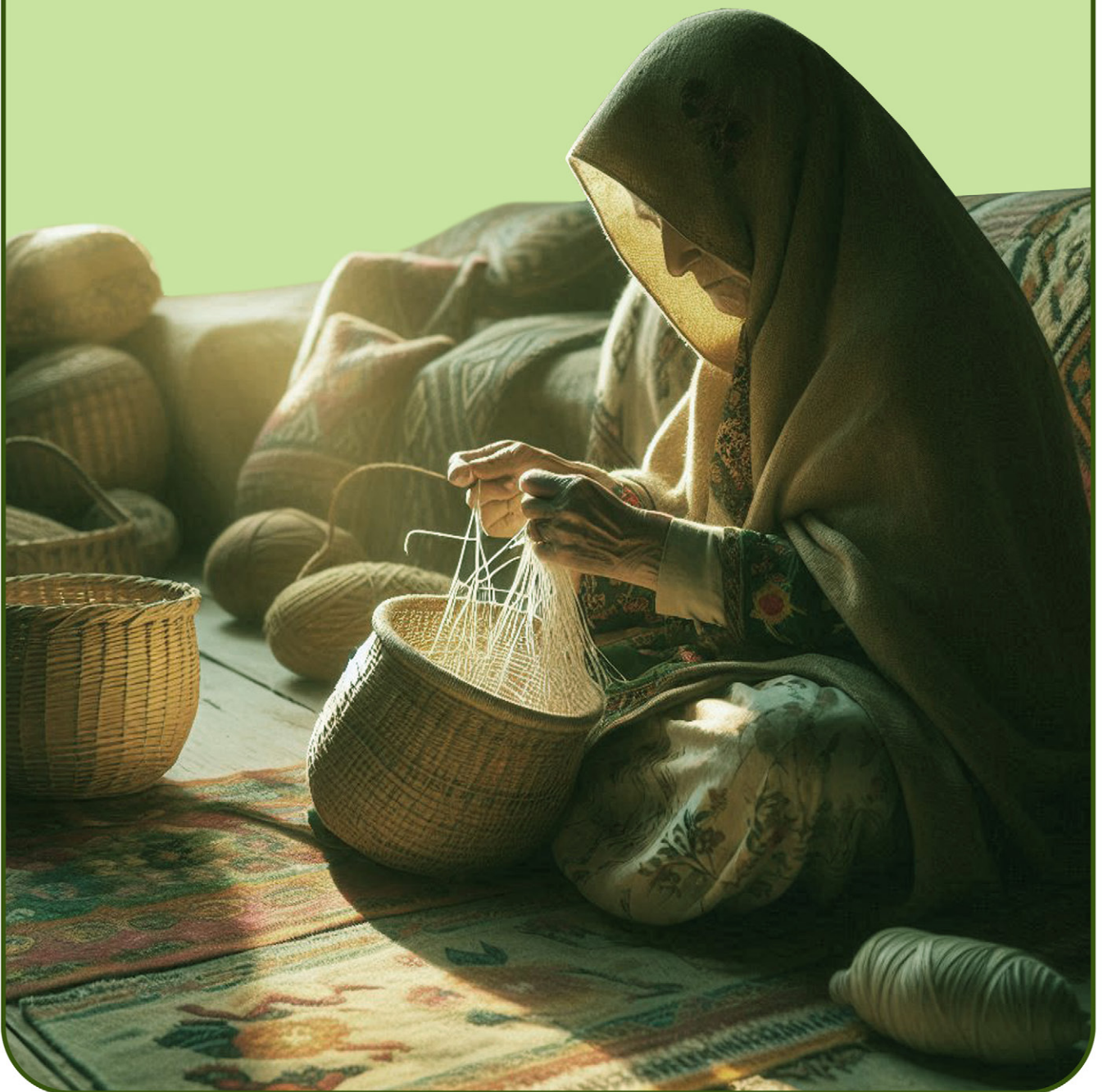
تلقیح می کنیم تا دام های محلی را در زمینه ی شیردهی و اندامشان ارتقا دهیم. چون نژاد محلی هم شیر کمتری می دهند هم اندام کوچک تری دارند و مقرون به صرفه نیستند. ولی بعد از تلقیح در برابر بیماری ها و شرایط محیط مقاوم تر می شوند. چون دام های نژاد اصیل خیلی نسبت به شرایط محیط حساس و از لحاظ تغذیه ای آسیب پذیر هستند و به شرایط دمایی و شرجی بودن هوا عادت ندارند ولی گونه های محلی به شرایط محیط عادت دارند و بعد از تلقیح و اصلاح نژاد ارتقاء می یابند و اندام آن ها بزرگ تر می شود و شیر آن ها افزایش می یابد و کیفیت آنها بالا می رود. از لحاظ فرزند آوری چون نژاد اصلاح شده و اندام بچه درشت است در زمان دچار مشکل می شوند و برای رفع مشکل از کارشناسان دام پزشکی کمک می گیریم. ولی نژاد اصیل در زایمان مشکلی ندارند و شیر تولیدی آن ها نیز بیشتر است و بعد از اصلاح نژاد شیر تولیدی آن ها ۲ برابر می شود. الان یک گاو دورگه داریم که حدود ۱۲ کیلو شیر می دهد که قبل از اصلاح نژاد گاو محلی ۴ کیلو شیر می داد و بعد از ۲، ۳ سال میزان شیر افزایش می یابد. چربی شیر نژاد اصلاح شده نیز نسبت به نوع بومی بیشتر است.



به نظر من هر کشاورزی در مزرعه خودش یک استخر ۱۲ در ۳ متر درست کند می تواند برای ۴ هکتار بچه ماهی تولید کند و در مزرعه خود رها سازی کند و با این روش دیگر نیاز به استفاده از کود نیست. در هر یک هکتار ۱۲ تن بچه ماهی پرورش داده می شود که کیلویی قیمت ۷۰ هزار تومان فرخته می شود و ۶۰۰ الی ۷۰۰ میلیون تومان عایدی دارد. این روش را از دکتر سعیدزاده که از طرف جهاد دانشگاهی آمده بودند آموختم و با یک استخر شروع کردم و سپس توسعه دادم و اکنون بچه ماهی به سایر دوستان کشاورزی می دهم. این منطقه نزدیک به ۴۰۰ هکتار وسعت دارد و پتانسیل کافی برای اشتغالزایی در زمینه های پرورش گوسفند، پرورش اردک دارد. خودم ۳ هزار اردک در زمین ۱۲ هکتاری پرورش می دادم که نزدیک عید همه آن ها بردم و در بازار فروختم. بچه اردک را می توانند با قیمت پایین از کرج تهیه کنند و با کمترین سرمایه وارد این کار شوند. دانه های برنج در مزارع فراوان است که جوجه ها می توانند از آن ها تغذیه کنند و از طرفی زمین ها را غنی از کود حیوانی می کنند. همچنین می توانند در این زمین ها سبزی کشت کنند. ما در این مجموعه تحقیقاتی کوچک دام های نژاد اصیل را با دام نژاد بومی

خانه تولد

تجربه گروه های مردمی در راه اندازی کسب و کار برای محرومین و مستضعفین





روایت

سید سبحان سعادت

مروج کسب و کار از شهرستان لاهیجان

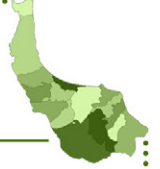
اینجانب سید سبحان سعادت کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات و فعال حوزه‌ی کشاورزی و دامداری شهرستان لاهیجان استان گیلان هستم. من از گذشته در کار پرورش مرغ و طیور و قارچ فعالیت داشتم و با توجه به بوم منطقه علاقه داشتم در حوزه‌ی کشاورزی اقدامی انجام دهم. برای اینکه به امنیت غذایی برسیم باید کشاورزی مدرن را مد نظر قرار بدهیم. گیاه لوف‌ها که قدرت لایه‌برداری بالایی از پوست دارد را به صورت تجاری توسعه می‌دهیم. روش کار ما به این شکل است که کار را بیرون‌سپاری کرده‌ایم. آموزش را به صورت رایگان در اختیار افراد قرار می‌دهیم. فرد اگر مشتاق ادامه دادن بود بذر را هم رایگان در اختیار آن‌ها می‌گذاریم. پس از برداشت محصول هم ما به صورت تضمینی از افراد خریداری می‌کنیم. مرحله‌ی بعد تبدیل گیاه به محصول نهایی است که آن را هم بیرون‌سپاری کرده‌ایم. پارچه و ابر را می‌خریم به افرادی که چرخ خیاطی دارند می‌دهیم و برای هر محصول دستمزد لازم را به آن‌ها پرداخت می‌کنیم. این چرخه توانسته برای ۲۰ نفر شغل ایجاد کند. هر فرد جدیدی هم بخواهد می‌تواند وارد این چرخه شود. ریشه‌ی لوف‌ها به کشورهای آمریکای لاتین برمی‌گردد و تنها لیف طبیعی در جهان است که با لایه‌برداری از پوست و خون‌رسانی مانع افتادگی پوست می‌شود و آن را شفاف نگه می‌دارد. ما ۲۱ محصول از لوف‌ها



تولید می‌کنیم. از پودر آن برای صابون‌سازی استفاده می‌کنیم. لیف بدن، لیف پشت، برس پشت و... از جمله‌ی این محصولات هستند. از روغن آن برای ترک‌های پوستی از صندل آن برای افراد دیابتی و کسانی که ترک کف پا دارند استفاده می‌شود. این گیاه ۶ تا ۸ ماه طول می‌کشد تا به محصول برسد و با ۲ هزار متر زمین به ۱۸۰ میلیون درآمد می‌شود رسید. فعالیت ما در سطح کل استان است و یک مزرعه‌ی نمونه در شهر آستانه‌ی



اشرفیه ایجاد کرده‌ایم. و وقتی محصول در مزرعه مختلف جمع‌آوری شد در یک مرکز بسته‌بندی و توزیع و بازاریابی انجام می‌شود که در این مرکز هم بچه‌های بهزیستی مشغول کار هستند. پدربزرگ‌های ما درباره‌ی این گیاه از اوایل قرن گذشته خبر می‌دهند که برای شستن ظروف به کار می‌رفته است. گیاهی است بالارونده که معمولاً روی داربست گسترده می‌شود. میوه‌ی تازه‌ی این گیاه به همراه سایر سبزیجات دیگر در کنار وعده‌های غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد به صورت صنعتی هم می‌توان به عنوان عایق صوت و حرارت استفاده کرد. شیرین لحظه در این کار زمان برداشت محصول است و اولین لیفی که خودم با دست خودم دوختم یکی از شیرین‌ترین لحظات عمر من بوده است.



روایت

جواد فیروزی

مروج کسب و کار از شهرستان بندر انزلی



اینجانب دهنده هنر و رسانه فیروزنگار، خیریه منزلت شکل گرفت. اساس کار خیریه منزلت خیریه ثانویه است یعنی مجموعه نه بسته معیشتی می‌دهد نه کمک های موردی انجام می‌دهد. ۵ خیریه کوچک را تحت پوشش داریم که به آنها آموزش‌های لازم در حوزه‌های گوناگون از جمله تبلیغات، تولید محتوا، ارزش افزوده و برنامه‌های اجتماعی، حقوقی و مجوز می‌دهیم. در بحث اشتغالزایی محرومین و سرپرستان خانوار هم فعالیت می‌کنیم. ۶ نفر اعضای اصلی گروه هستند و نقش هیئت مؤسس را دارند و بقیه افراد به صورت متناوب با ما همکاری دارند. ما بر روی کیفی‌سازی نهادهای خیریه تمرکز کرده‌ایم و به‌طور مثال اگر خیریه‌ای در حوزه اشتغال فعالیت می‌کند و صد نفر را تحت پوشش و توانمندسازی قرار داده است وقتی ما در کنارش قرار می‌گیریم عملکردش ۵ برابر می‌شود و برای ۵۰۰ نفر اشتغال آفرینی می‌کند یا مورد دیگر خیریه‌ای بود که ۲۷ سال فعالیت

اینجانب جواد فیروزی دارای کارشناسی‌ارشد

و مدیرعامل خیریه منزلت بندرانزلی استان گیلان هستم. نزدیک یک دهه با جمع دوستان فعالیت های مختلف فرهنگی انجام می‌دادیم ولی به این نتیجه رسیدیم که یک تمرکز و ساختار تخصصی نیاز هست تا بتوانیم فعالیت‌ها را گسترش بدهیم. از سال ۹۸ در آستانه کرونا ایجاد یک مجموعه مستقل را کلید زدیم و سال ۹۹ شروع به کار کردیم. ابتدای فعالیت‌های ما در عرصه‌های هنری و رسانه‌ای بود و تولید محتوا می‌کردیم. گروه‌های جهادی به ما مراجعه کردند و کار ما پیوست فعالیت این دوستان شد. در طول هر هفته ۱۰ اثر رسانه‌ای تولید می‌کردیم، کار که کمی جلوتر رفت و بر کارها مسلط شدیم ذیل همین مجموعه شتاب



میزان مشارکت خیرین چطور بوده است اطلاعاتی نداشتند و ثبت نمی‌کردند. ما یک سامانه‌ای را در فضای مجازی برای آن‌ها ساختیم تا هر کاربری که دارند بتواند وارد آن شد و اقدام را ثبت کند که براساس آن بتوانند آمارگیری کنند. همان محله فراهم می‌کنیم مثلاً یک سوپرمارکت را مشخص می‌کنیم که خیرین با یک کارت مشترک خریدهای مردم محروم محل را انجام بدهند. یا کسانی که حاضرند خدماتی را به محرومین ارائه بدهند به شیوه‌ای که منزلت افراد خدشه‌دار نشوند به آن‌ها سرویس دهند. ما الان با ۱۷ استان تعامل خود را آغاز کرده‌ایم و تجربیاتی که اینجا بدست آورده‌ایم را به همه منتقل کرده‌ایم. از سوی دیگر داریم تجربیات خیریه‌های خارج از کشور را هم می‌گیریم و آن را بومی می‌کنیم تا در کشور اجرا شود. ایجاد اشتغال پایدار با استفاده از افزایش ظرفیت‌های بومی و منطقه از برنامه‌های آینده مجموعه ما است. در طول این ده سال فعالیت شکست‌هایی هم داشته‌ایم، اما امید ما از شکست‌های ما بزرگ‌تر است و از همان‌ها درس گرفته‌ایم و در کارهای بعدی استفاده کرده‌ایم مثل تولید قارچ دکمه‌ای و بلدرچین که در استان وارد شد و اوج گرفت و شکست خورد و نتوانست آورده‌ای برای استان به همراه داشته باشد.

داشت اما بازدهی آن فرقی با یک خیریه ۲ساله نداشت. وقتی ما بررسی کردیم، دیدیم از هیچ سامانه‌ای استفاده نمی‌کنند. از آن‌ها پرسیدیم شما می‌دانید تا حالا به چه تعداد و چه خدماتی ارائه داده‌اید. ارزش و حجم کالا چقدر بوده است. یا مثلاً خیریه‌ها یک مشکلی داشتند که خیرین برای بعضی امور ملموس پول می‌دادند ولی در بسیاری موارد دیگر مشارکت نمی‌کردند. ما رفتیم با خیرین جلسه گذاشتیم، گفتیم چرا شما به موبک پول می‌دهید ولی در موارد دیگر ورود نمی‌کنید. گفتند ما موبک را می‌توانیم ببینیم ولی این خیریه‌ها گزارشی از سایر اقدامات خود نمی‌دهند. خوب ما خیریه‌ها را برای دادن گزارش آموزش دادیم و همین مشارکت خیرین را افزایش داد. خیلی از خیریه‌ها مجوز نداشتند و اصلاً نمی‌دانستند از کجا باید مجوز بگیرند. ما آن‌ها را راهنمایی می‌کنیم و الان ۱۰ تا از آن‌ها دارند سیر گرفتن مجوز را طی می‌کنند تا از کمک نهادهای انقلابی هم بتوانند استفاده کنند. الان یکسال هست که در حال کار کردن نقشه اجتماعی شهر انزلی هستیم که به نوعی خیرین و محرومین به هم متصل شوند. شهر به ۱۸ محله تقسیم شده است و اگر این طرح کامل شود ما می‌فهمیم چه کسانی در محلات خواستار کمک و مشارکت در امیر خیر هستند. ما زمینه کار



رستخیز جان

تجربه گروه های مردمی در حفظ و احیای محیط زیست



فرآیند تشکیل میزهای تخصصی محیط زیست:

- ۱- بیان ضرورت کنش‌گری در عرصه محیط زیست و درخت‌کاری برای فعالان حلقه‌های میانی استان‌ها و شهرستان‌ها در دوره‌های حضوری، مجازی و گفتگوهای تلفنی
- ۲- پیگیری تلفنی برای معرفی کنش‌گران انقلابی استانی و شهرستانی در عرصه محیط زیست از فعالان حلقه‌های میانی استان‌ها و شهرستان‌ها، حداقل سه نفر از هر شهرستان
۳. مصاحبه تلفنی با کنش‌گران معرفی شده با سه سوال زیر:
 - الف. تحلیل شما از وضعیت محیط‌زیست استان و شهرستان چیست؟
 - ب. کنش شما در راستای بهبود وضعیت محیط‌زیست استان و شهرستان چه بوده است؟
 - ج. افراد و گروه‌های دیگری که در عرصه محیط‌زیست فعال هستند را معرفی کنید.

با سه سوال فوق باید شاخص‌های پنج‌گانه زیر مشخص شود:

- الف. اشراف علمی
 - ب. کنش‌گری در میدان
 - ج. همگرایی با دیگران
 - د. حسن ارتباط با حاکمیت
 - ه. تعهد دینی و انقلابی
۴. کارسپاری به کنش‌گران مصاحبه شده با درخواست دو اقدام زیر:
 - الف. پایگاه اطلاع‌رسانی «چرخه حیات» و سامانه «نهیضت درخت» را بررسی و ظرفیت آن را در پشتیبانی از گروه‌های کوچک مردمی، تحلیل نمایید.
 - ب. اگر فرد باشد گروه شود و اگر گروه است یک گروه جدید به عرصه محیط‌زیست استان و شهرستان اضافه کند.
 ۵. دعوت از کنش‌گران موفق در کارسپاری، به شرکت در «کارگاه تبادل تجربه» با ارائه پیش‌خوان
 ۶. برگزاری «کارگاه تبادل تجربه» به صورت یک روزه و حضوری در مرکز استان یا منطقه با سه بخش زیر:
 - الف. طرح جریان‌های حلقه‌های میانی توسط دبیر نهضت اجتماعی استان
 - ب. ارائه تجارب موفق در به میدان آوری مردم توسط کنش‌گران و جلسه‌گردانی دبیر میز محیط زیست ستاد ملی
 - ج. جمع‌بندی تجارب و ارائه بسترهای تبادل تجربه جهت ارتقاء کنش‌گران (مانند: گروه مجازی در بستر شبکه‌های اجتماعی، کانال ارتباطی و سامانه پشتیبانی) توسط دبیر میز محیط‌زیست ستاد ملی
 ۷. ارتباط مستمر دبیر میز محیط زیست ستاد ملی با کنش‌گران از طریق بسترهای ارتباطی
 ۸. تلاش برای اجرای فرآیندهای فوق توسط کنش‌گران در مقیاس استان و شهرستان



روایت رضا عطایی

کنشگر محیط زیست از شهرستان رودبار



آن کسی که بر بهره‌بردار جنگل نظارت می‌کند از خود مردم است. مطالبه‌گر، گروه‌های درختکار، گروه‌هایی که زباله را از طبیعت پاک می‌کنند همه از مردم هستند. اگر از هر خانواده‌ای یک نفر درگیر این موضوع باشد آن یک نفر بقیه‌ی خانواده را مجاب می‌کند که رفتار مناسبی با طبیعت داشته باشند. مردم باید در سرنوشت خودشان مسؤول باشند و رفتار مسئولانه داشته باشند. این جور نیست که ما چند تا سازمان درست کنیم. بعد مردم هیچ مسئولیتی نداشته باشند و امور سامان بگیرد. تجربه ۱۰۰ سال گذشته این را ثابت کرده است که آحاد مردم باید نقش ایفا کنند. ما می‌خواهیم حلقه‌ی اتصالی باشیم تا مردم را وارد این صحنه کنیم. اولین کار ما این بود که با گروه‌های محیط زیستی سراسر کشور ارتباط بگیریم. از تجارب آن‌ها، عملیات‌های مردمی که انجام داده‌اند و دانش آن‌ها استفاده کرده و می‌کنیم. مرحله بعد تشکیل گروه‌های کوچک مردمی است. اگر گروه‌های کوچک را دور هم جمع کردیم باید عملیات طراحی کنیم. عملیات مردمی نباید سایه اش را بر وظیفه‌ی ذاتی و همیشگی دستگاه متولی بیفکند.

گروه مردمی بارکش دستگاه اجرایی نیست. مطالبه‌گران باید سقف نیازها را مطرح کنند. دستگاه با همه‌ی ظرفیت پای کار بیاید.

اینجانب رضا عطایی خرمی ۵۳ ساله دارای مدرک

کاشناسی ارشد حسابداری، کارمند بازنشسته بانک صادرات و فعال حوزه‌ی محیط زیست شهرستان رودبار استان گیلان هستم. از ۱۵ سال پیش با گروه‌های مختلف کوهنوردی به ارتفاعات استان صعود می‌کردم و این طبیعت‌گردی و گروه‌کوهنوردی باعث شد تا با منابع محدود و مشکلات طبیعت گیلان آشنا شوم. در طی این سالها با درختکاری، تشکیل اردوهای جمع‌آوری زباله از دل طبیعت و مطالبه‌گری پیرامون معضلات محیط‌زیستی پیرامون خودمان فعالیت کرده‌ام و بنا به درخواست گروه‌های جهادی استان مسئولیت این بخش به بنده واگذار شد. آن چیزی که در مورد محیط زیست اهمیت دارد این درگیر بودن همه‌ی جامعه با آن است. زباله را همه‌ی مردم درست می‌کنند. از جنگل مردم بهره‌بردار می‌کنند.



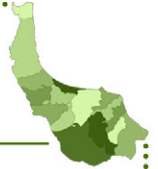
و گروه مردمی هم به میدان بیاید نه اینکه مسئول منابع طبیعی و شهرداری با کار مردم عکس یادگاری بگیرند. یعنی اگر دستگاهی بودجه‌ی کلان می‌گیرد باید به همان میزان کار کند. شروع کار باید با آموزش باشد در هر عرصه‌ای آگاهی‌های مردم را باید بالا ببریم. دیوی زباله چقدر آسیب می‌رساند، شیرابه زباله، پلاستیک چند سال در محیط زیست ما می‌ماند. این‌ها آموزش نیاز دارد. اگر در بخش آموزش کنشگر تربیت نشود و اشاعه نداشته باشیم در اصلاح امور و اقدامات اجرایی به نتیجه نمی‌رسد. بعد هم می‌شود اقدامات و عملیات اجرایی مثل درختکاری تعریف و حرکت کرد بالاخره محیط زیست ما زخمی شده است و این کارها مثل پانسمان کردن می‌ماند ولی اول با آموزش باید جلوی خون ریزی را گرفت.

درختان مثمر را نباید فقط انسان کاشت، بلکه خود مثمر دارد. آن سنجابی که هست نیاز دارد به آن غرس میکنید. باید درختان طبیعت بخورد. ما وقتی زیستگاه‌های آنجا را بی‌رویه‌ی درختان با بهره‌حالا تنها کاری که میتوانیم محدودی باقی مانده وقتی گرگ به روستا می‌زند



به عنوان بهره‌بردار طبیعت هم نیاز به درختان در جنگل‌های گیلان درخت گردویی که شما مثمری بکاریم که به درد ورود کردیم به طبیعت و تخریب کردیم با قطع برداری بی‌ضابطه از معادن بکنیم این است که را غنی‌سازی و پربار کنیم.

خرس به کلبه‌ی چوپان حمله می‌برد و پلنگ به آبادی می‌آید یعنی نتوانسته در زیستگاه خودش تغذیه شود. بنابر این درخت مثمر برای طبیعت خصوصاً در گیلان از اهمیت فراوانی برخوردار است. در منطقه‌ی رودبار زیتون حرف اول را می‌زند. در هر حیاطی هم می‌شود کاشت و برای رفع محرومیت در خانه محرومین کاشت می‌شود. این درخت خیلی هم بابرکت است. از خودش می‌شود پاجوش گرفت. در شهرهایی که رطوبت بالاست و زیتون ثمر نمی‌دهد پیشنهاد ما درخت گردو است. بالای ۹۵ درصد سبز می‌شود. درختان بعدی هم درختان بومی مثل کنوس، زالزالک، آلوچه وحشی و سایر آلوچه‌ها که می‌توان با فرآوری محصول آن ارزش افزوده‌ی خوبی را نصیب بهره‌بردار کند.



پونه نیکوی

روایت

کنشگر محیط زیست از بندر انزلی



تالاب که راه نفسش را می‌بستند، و به‌خطرافتادان زیستگاه پرندگان بومی و مهاجر، هشدارهای خطرناکی را اعلام می‌کنند. «اوایل دهه هفتاد، تالاب انزلی وارد فهرست تالاب‌های در خطر شده بود و دی‌ماه ۷۲ به‌دلیل رسوبات ناشی از تخریب جنگل و مراتع بالادست، ورود پساب‌های شهری، صنعتی، کشاورزی و ورود گونه غیربومی آزولا، تالاب انزلی وارد فهرست مونتره هم شده بود.



شاعر بودم و عاشق نظام و ساختار منظم و بی نقص آفرینش؛ نمی‌توانستم سکوت کنم. تمام روز به راهی می‌اندیشیدم تا صدای تالاب را به گوش مردم کشورم برسانم. «او ابتدا برای اینکه بتواند مردم را پای کار بکشد، روی مسائل و مشکلات تالاب تمرکز می‌کند و اطلاعات دقیقی بدست می‌آورد. او در بررسی‌هایش تالاب را در وضعیت بغرنجی می‌بیند. آماري که جمع شد، تکان‌دهنده‌تر از ذهنیتم بود: «فقط در انزلی، حدود صد کانال وجود دارد که فاضلاب کشاورزی و صنعتی از آنها وارد تالاب می‌شود. فاضلاب‌های خانگی که کم هم نیستند.

شاعر دهه شصتی گیلانی، پونه نیکوی، متولد بندر انزلی است. از همان کودکی اهل ردیف‌کردن کلمات پشت‌سرهم بود و طبع شعر داشت. اولین شعرش را این‌طور سرود:

دوستی عشق است و ابراز نیاز
گفت‌وگو با چشم و ابرو رمز و راز

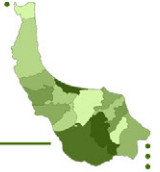
بزرگ‌تر که شد، با مسئله‌های مهم شهرش آشنا شد و او هم مثل خیلی از اهالی انزلی، هر روز شاهد ویرانی تالاب بود. به‌خاطر طبع شعرش با گروه‌های ادبی کشور آشنا بود. حتی پایش به جشنواره‌های شعر بین‌المللی هم باز شده بود. او در یکی از همین نشست‌ها به جلسه روایت نویسی از خاطرات استاد جلال آل‌احمد دعوت شد. مکان یادبود، منطقه اسالم گیلان، بر سر تکه‌سنگ باقی‌مانده از خانه ایشان در دوران تبعید بود. او می‌گوید: «اگرچه جایگاه جلال آل‌احمد را درک می‌کردم، در کنارش در اندیشه تالاب که میراثی ملی است، بودم. تمام مدتی که در آن مراسم بودم، تالاب انزلی را جلوی چشم می‌دیدم. تصویر تالاب همچون مادر پیری برابرم بود که در اوج بیماری پشت در افتاده و هیچ‌کس نیست تا برای کمک، در خانه‌اش را باز کند.» در مسیر بازگشت از نشست، نجات تالاب تمام فکر و ذکرش شده بود. دنبال ایده‌ای می‌گشت تا نام تالاب انزلی را دوباره احیا کند. او می‌دید که عمق کم تالاب، رشد گیاهان غیربومی بر سطح



او می‌خواست که مطمئن شود مبالغ اختصاص پیدا کرده برای طرح، در مسیر درستی استفاده شود؛ البته نگرانی‌های او بی دلیل نبود. بعد از مدتی و با گذر از ماجرای سد لاسک و مبارزه تمام‌قد مجموعه موج شکن در تالاب دوخان، طرح‌های جدیدی بنام بایوجمی یا زیست‌پالایی پیشنهاد شد. متوجه شدم قرار است مواد خطرآفرینی داخل تالاب بریزند. این مواد، رسوبات عمق تالاب را به حالت اسفنجی و شناور روی آب درمی‌آورد. طبق برنامه‌شان، این مواد خوراک آبزیان و جانوران تالاب می‌شد و هیچ ضایعات جانبی هم نداشت. کم‌کم مشخص شد که از اول تا آخر این طرح برای منافع شخصی بعضی‌ها بوده است. موادی که قرار بود در تالاب ریخته شود، شیمیایی و خطرناک بود. پس از مشخص شدن نام ماده مذکور، استادان پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهیدبهبشتی و هفتاد تن از دانشمندان، مخالفت خود را با این پروژه اعلام کردند. بار دیگر باید از تمام راه‌ها وارد می‌شدیم تا بایوجمی متوقف شود. پس از تالاب دوخان، حساسیت مردم و اندیشمندان به تالاب انزلی بیشتر شده و همه پای کار آمده بودند. روزی که قرار بر اجرایی شدن طرح بایوجمی بود، به وضوح گریه مردم را می‌دیدم. دست از تلاش برنداشتم. چندی بعد، دادستان شهرستان و دوستانش وارد طرح بایوجمی شد و اجرایش را متوقف کرد که این برای ما اتفاق خیلی خوبی بود. پونه نیکوی نه قدرت سازمانی داشت، نه قدرت اداری داشت و نه حتی قدرت مالی داشت او فقط مردم را پای کار شهرش آورد.

ورود سالانه ۲ میلیون لیتر سموم کشاورزی و ۳۲ میلیون مترمکعب فاضلاب خانگی شهرستان‌های بندرانزلی، رشت، صومعه‌سرا، فومن و ماسال به تالاب بین‌المللی انزلی، شکار بی‌رویه پرنندگان بومی و مهاجر، ورود بخشی از فاضلاب‌های صنعتی به محیط تالاب که محل تخم‌ریزی بسیاری از ماهیان بومی و مهاجر است، بخشی دیگر از معضلات تالاب بین‌المللی انزلی بود. حجم رسوبات حوضه آبریز تالاب نیز در حال افزایش بود و به علت ضعف عملیات آبخیزداری، سالانه هزارها تن از این رسوبات وارد تالاب انزلی می‌شد و در آن رسوب می‌کرد. تا چند دهه قبل، عمق تالاب انزلی بین هشت تا یازده متر بود. با ته‌نشین شدن رسوبات، امروزه عمق آن در برخی مناطق حتی به کمتر از یک متر رسیده است. پونه نیکوی با لیست کردن این مشکلات مطمئن شد که می‌تواند اقشار مردم را برای نجات تالاب بسیج کند. هر کشاورزی که کشاورزی‌اش مدیون آب تالاب است، هر صیادی که رزق روزانه‌اش مدیون تالاب است و هرکس که سهمی از تالاب انزلی می‌برد، می‌تواند پای کار بیاید و کاری برای نجاتش کند. در ذهنم برنامه‌ای در راستای مطالبه‌گری و جریان سازی برای مردم این سرزمین بود. پذیرفتند و حکم دبیری جشنواره تالاب دوخان را به من دادند. خانم نیکوی به همراه دوستانش در مؤسسه مردم‌نهاد موج‌شکن، جامعه اولیه هدفش را از میان دانش‌آموزان انتخاب کرد. نام روش طرح گفته نشده بود؛ اما خانم نیکوی هم مثل هیئت اجرایی تالاب دوخان نگران روش‌های اجرای احیای تالاب بود.





چگونه درخت بکاریم؟

نهضت درخت؛ جنبشی مردمی برای نجات زمین و احیای چرخه حیات است. آبادگران در این نهضت با بیل و نهال به مصاف گرمایش زمین، تغییرات اقلیمی، فرسایش خاک، بحران آب، خشکسالی، طوفان، سیل، آلودگی هوا و ریزگردها می‌روند. چرا که زمین در حال مردن است! با گرمایش زمین، آب خوش از گلوی هیچ کسی پایین نمی‌رود؛ حتی خاک! خاک بدون لباس سبزی از گیاهان نمی‌تواند آب بخورد؛ چون هنوز لبش تر نشده، آب بخار می‌شود و خاک هم مثل انسان از تشنگی می‌میرد. خاک مرده یعنی بیابان! در بیابان، قانون جنگل حاکم است: اگر تو او را نخوری، بیابان تو را خواهد خورد! لذا نقش‌آفرینان نهضت درخت، عاشق رشد و رویش، سرسبزی و آبادانی زمین هستند! و «نجات چرخه حیات» دغدغه اصلی ایشان شده است.

دو اصل اساسی در نهضت درخت

اول: تسلیم خدا باش؛ رضایت‌مندانه و شکرگزار

دوم: حیات را به زمین و هر آنچه در اوست ببخش؛ صمیمانه و بی‌منت

عملیات نجات

نجات زمین و احیای چرخه حیات را از ایجاد یک منطقه سبز و آبادی شروع کن! حالا برای این که تجربیات خودمان را در نهضت درخت جهت نجات زمین و احیای چرخه حیات با هم به اشتراک گذاشته باشیم به طور خلاصه و گام به گام مراحل ایجاد منطقه سبز و آبادی را باز گو می‌کنیم. البته شما می‌توانید با خلاقیت خودتان یا نسبت به منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید مراحل را کم و زیاد کنید.

انتخاب همراه

بدان که می‌توانی خادم طبیعت باشی و با ایجاد رشد و رویش، زمین خدا را آباد کنی، پس تصمیم بگیر و با اراده‌ای محکم به نهضت درخت اضافه شو هسته خود را تشکیل بده؛ هر هسته سه تا ده نفر که عاشق رویش گیاهان باشند: هم‌فکر، هم‌دل و هم‌کار برای هم‌راهی. هسته‌های خانوادگی بهترین هسته‌ها هستند.

انتخاب زمین

- زمینی که دسترسی به آن آسان باشد
- آبراهه‌ها و مسیل‌ها برای بهره‌گیری از روان‌آب‌ها اولویت دارد.
- کاشت درختان در اطراف مناطق مسکونی یا مرز مزرعه مهم است.
- ایجاد پوشش گیاهی در اراضی شیب‌دار به مهار آب و خاک کمک بیشتری می‌کند.
- ظرفیت کاشت نهال در هر زمین متناسب با میزان بارش در منطقه است؛ به ازای هر یک میلی‌متر بارش، کاشت یک نهال در هکتار. یعنی می‌توانید در منطقه‌ای با ۲۰۰ میلی‌متر میزان بارش، در هر هکتار ۲۰۰ درخت بکارید.

ملزومات اصلی

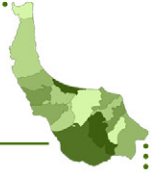
- بیل و کلنگ مناسب برای حفر چاله؛
- مقداری زباله تر (پسماندهای غذا، میوه و سبزیجات)

ملزوماتی که بهتر است فراهم شود

- سرنند درشت برای جمع‌آوری قلوه سنگ‌ها؛
- مقداری کود حیوانی؛
- تعدادی کرم خاکی؛
- چوب، برگ و علف‌های خشک‌شده؛
- مخلوطی از ضایعات دور ریز خشک، مثل خاکستر، خاک اره، کاه و کلش، پوست گردو، بادام، فندق، پسته و مشابه آن؛
- سه عدد لوله فلزی یا پلاستیکی به قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر و طول ۶۰ سانتیمتر، که بر روی آن دسته تعبیه شده باشد (مانند دسته سطل آب)؛
- حدود ۱۵ کیلوگرم شن، با ابعاد حدود نیم سانتی‌متر؛
- قیّم نهال؛
- نخ یا طناب نازک برای بستن نهال به قیّم نهال؛
- حدود ۳ متر توری فلزی نازک؛
- چوب نگهدارنده توری؛
- اره و قیچی باغبانی برای هرس درختان

انتخاب گونه‌های گیاهی

خوب تحقیق کن و زمین خود را بشناس؛ زمین شما رویش‌گاه چه گیاهانی بوده یا هست؟ (این اطلاعات را می‌توانی از کشاورزان، دامداران یا اهالی منطقه به دست آوری) اطلاع دقیق شما از موقعیت و اقلیم زمین، ارتفاعش از سطح دریا، زمان تغییر فصل‌ها، درجه حرارت هوا در فصل‌های گرم و سرد سال، میزان بارندگی، نوع خاک و ظرفیت‌های اطراف زمین در انتخاب گونه‌های گیاهی بسیار مهم است. در صورت نیاز، نمونه‌ای از خاک را برای تجزیه و تعیین خصوصیات آن به آزمایشگاه بده. دقت کن برای کسب اطلاعات از افراد با تجربه مانند کارشناسان ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری مشورت بگیری و از منابع معتبر و شناخته شده استفاده کنی. براساس اطلاعاتی که جمع‌آوری کردی، گیاهان مقاوم به کم‌آبی و بومی (بومی‌ها مقاوم‌تر، سازگارتر و پایدارتر به محیط هستند) را شناسایی کن؛ میزان بارش و حداقل و حداکثر دمای منطقه برای انتخاب گونه‌ها، شرط اصلی است. درختان، درختچه‌ها و بوته‌های متعددی را برای کاشت ترکیبی جهت حفظ اکوسیستم به



صورت پایدار، انتخاب کن. گیاهان چند منظوره (مانند: کُنار، سنجد، عناب، بادام، بنه، بلوط، فندق، پسته، گردو، انجیر، مو، زیتون، انار، نخل، زرشک، سماق، گل محمدی، آنغوزه، کبر، کهورک، خارشتر و استبرق) برای جلب مشارکت جوامع محلی در کاشت و نگهداری پوشش سبز در اولویت قرار دارند. گونه‌های پیشگام یا پرستار را برای کاشت هم زمان با گونه‌های اصلی در یک چاله در نظر داشته باش. (مانند: بادام کوهی در کنار بنه یا دافنه در کنار بلوط) درختان مقاوم‌تر و با رشد سریع‌تر (مانند: گز، اکالیپتوس و پده) برای دور تا دور محدوده کاشت به عنوان بادشکن استفاده می‌شوند.

راه اندازی نهالستان خانگی

رشد و رویش را با ایجاد یک نهالستان خانگی از خانه و از کوچکترین فضایی که در اختیار داری شروع کن. رشد و تکثیر ریز جانداران و کرم‌های خاکی در زباله‌های خانگی و تبدیل آن به کمپوست از نخستین اقدامات ما است؛ کمپوست بستری مناسب برای رویش گیاهان خواهد بود.

هسته‌های میوه، بذر گیاهان، قلمه و ریشه‌های قابل تکثیر را جمع‌آوری کن و از هر موقعیتی برای آباد کردن نهالستان خانگی‌ات بهره ببر؛ گاهی وقت کاشت بذر است... گاهی موسم قلمه گیری... و آبادگر، هیچ موقع بی‌کار نمی‌نشینی! رطوبت، نور خورشید و هوا عامل پوسیدگی و فساد بذرها و هسته‌ها هستند؛ پس در اولین فرصت بذرها را از پایه‌های مادری قوی را جمع کن. تیمار علمی بذرها برای تولید نهال فراموش نشود. (اگر جستجوگر صبوری باشی، اطلاعات خوبی در این مورد

بجست می‌آوری) گلدان نهال‌ها را با ترکیب ماسه و کمپوست یا کودپوسیده حیوانی پُر کن؛ اگر به خاک پشت سازه‌های آبخیزداری هم دسترسی داری، آن را به ترکیب اضافه کن. خاک گلدان‌ها را با پوشال، کاه و کلس بیوشان؛ این کار برای جلوگیری از تبخیر و کاهش مصرف آب عالی است. ایجاد سایه‌بان برای محافظت از نهال‌ها در برابر تابش شدید نور خورشید و جلوگیری از تبخیر در نهالستان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. آبیاری نهالستان با آب خاکستری از مهمترین اقدامات ما است. پس از رشد موفق نهال و تثبیت آن، با ایجاد تنش آبی و عدم آبیاری منظم، نهال مقاوم به کم آبی پرورش بده.



آماده سازی چاله در مرحله اول

- مرحله اول چاله‌کنی در تابستان و پیش از بارش‌های پاییزی متداول است.
- حالا شما به بیل و کلنگ نیاز داری؛
- کلی زباله تر غیر عفونی مثل پسماندهای غذا، پوست میوه‌ها و سبزیجات. (زباله‌ها بهتر است خرد شده و خوب ترکیب شوند).
- برای هر نهال یک دایره به قطر حدود یک متر روی زمین ترسیم کن. بهتر است با توجه به رد سیلاب یا جریان آب باران، مکان چاله را انتخاب کنی تا باران هم بتواند در آبیاری شریک شود.
- خاک سطح الارض (یعنی خاک تا عمق حدود ۱۵ سانتی‌متری) را از روی دایره با بیل کنده و در گوشه‌های جداگانه جمع‌آوری کن. بعداً برای اینکه دور ریشه را پر کنی به آن نیاز پیدا می‌کنی. این خاک، به واسطه حیات بیشتری که دارد غنی‌ترین بخش خاک است.
- تا آن‌جا که توان داری عمق چاله را بیشتر کن (حدود یک متر)؛ ایجاد چاله‌های بزرگ و عمیق، از رمزهای موفقیت در ایجاد جنگل‌های دست کاشت است.
- قلوه سنگ‌ها را از خاک جدا کن.

- خاک سطح الارض جمع‌آوری شده را در عمق چاله بریز.
- اگر کمپوست در خانه درست‌کرده‌ای چاله را با آن پر کن؛ و گرنه برای تولید کمپوست، چاله را پر از زباله‌تر کن.
- مقداری کود حیوانی داخل آن بریز.
- در صورت امکان برای افزایش سرعت و کیفیت تولید کمپوست، چند کرم خاکی در زباله‌ها رها کن.
- روی چاله را با چوب، برگ و علف‌های خشک شده‌ای که در دسترس است، پر کن.
- با خاک روی چاله را پوشانده و آن را یک‌بار آبیاری کن تا زباله‌ها تبدیل به کمپوست شود.
- در صورت امکان مخلوطی از ضایعات دور ریز خشک، مثل کاغذ و روزنامه، خاک اره، پوست گردو، بادام، فندق، پسته و ... را روی سطح چاله، پهن کن.
- اگر توانستی هفته‌ای یک بار محتویات چاله را هم بزن، برگردان کن و آب بده تا سرعت کار بیشتر شود. (توجه کن که آبیاری بیش از حد نباشد.)
- چاله را یکی دو ماه رها کن تا زباله‌ها تجزیه شده و کمپوست مناسب آماده شود.

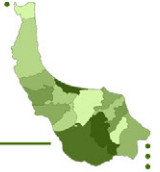
انتقال نهال

- بهترین زمان کاشتن نهال در زمین پس از اولین بارش‌های پائیزی است تا ریشه قبل از فصل سرما استقرار پیدا کند و گیاه هر چه بیشتر از نزولات آسمانی در پائیز، زمستان و بهار برای رشد ریشه و رسیدن آن به خاک‌های مرطوب در عمق زمین، بهره‌مند شود.
- کاشت نهال‌های گلدانی در تمام ایام سال به غیر از روزهای گرم آفتابی یا سرد یخبندانی و در هنگام وزش شدید باد، امکان پذیر است.
- هر زمان تصمیم به کاشتن گرفتی، نهال‌های بلند، قطور و با ریشه‌های انبوه را انتخاب کن.
- دقت کن در هنگام انتقال نهال از نهالستان، گلدان رطوبت کافی برای حفظ خاک اطراف ریشه حین کاشت نهال را داشته باشد.
- مراقب باش دمای نهالستان و زمین در هنگام انتقال نهال یکی باشد.

آماده سازی چاله در مرحله دوم

- محتویات چاله را خارج، و در صورت نیاز با خاک سطح الارض اطراف چاله، خوب ترکیب کن.
- ضایعات خشک و کمی خاکستر را (در صورت وجود) در کف چاله بریز.
- خاک زنده را به ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر در عمق چاله روی ضایعات خشک بریز.
- در صورت امکان دو یا سه عدد لوله فلزی یا پلاستیکی را به قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر و طول ۶۰ سانتی‌متر، که بر روی آن دسته تعبیه شده باشد (مثل دسته سطل آب) به فاصله ۱۵ سانتی‌متری از دیواره چاله به طور ایستاده در کف چاله قرار بده.
- با قلوه سنگ‌ها روی خاک زنده را سنگ چین کن تا هم محل استقرار لوله‌ها محکم شود هم فضایی جهت گسترش ریشه و استقرار سریع نهال ایجاد گردد.
- دوباره از خاک زنده به ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر، این بار روی سنگ چین بریز.
- فضای خالی داخل لوله‌ها را کاملاً با شن‌های با قطر حدود نیم سانتی‌متری پر کن.
- حالا چاله شما مجهز به چند فیلتر شنی برای استفاده از آب سبز (آب باران) و یک سیستم زهکشی است.
- عمق چاله را با آب پر کن و اجازه بده تا آب جذب زمین شود





کاشت نهال

- گلدان را به صورت کامل از نهال جدا کن
- برای جذب هر چه بیشتر آب توسط ریشه میتوانی یک گونی کفنی به دور ریشه و خاک اطراف آن بپیچانی.
- خوب مواظب باش به ریشه در زمان کاشتن نهال آسیبی وارد نشود.
- ریشه لخت نهال را روی خاک‌های زنده‌تر شده بگذار.
- طوقه نهال (محل تلاقی ریشه و ساقه) باید هم سطح زمین باشد.
- به آرامی و بدون آن‌که به ریشه صدمه بزنی، تا طوقه نهال، خاک زنده بریز تا هنگام جمع شدن آب در چاله، آب به طوقه نرسد؛ در واقع باید وسط چاله و دور ریشه یک تپه کوچک از خاک ایجاد کرده باشی.
- چاله نباید با خاک پر شود؛ چرا که حلقه‌ای گود هر چند کم عمق (حداقل ۳۰ سانتی‌متر) برای رسیدن آب به ریشه‌ها در اطراف نهال باقی بماند.
- با پا کمی اطراف ریشه را محکم کن. برای این‌که خاک به آسانی دچار فرسایش نشود.
- کنار لوله‌ها را هم با هر دو پا محکم فشار بده؛ وقتی دور لوله‌ها را با پا محکم کردی و دیواره‌های خاکی کاملاً با لوله‌ها مماس شدند، دسته لوله را بگیر و به آرامی لوله را از داخل خاک بیرون بکش تا استوانه‌ای از شن درون خاک و به موازات نهال شکل بگیرد.
- در اطراف درخت و در حریم چاله، می‌توانی چند نهال یا بذر گیاهان بوته‌ای بکاری.

کاشت نهال

- اگر تصمیم داری به جای پرورش نهال در نهالستان و کاشت نهال در چاله به صورت مستقیم بذرکاری کنی، بدان که بهترین زمان کاشتن بذر در زمین، آخر پائیز و قبل از اولین بارش‌های زمستانی است.
- تیمار علمی بذرهای قبل از کاشت مستقیم بسیار مهم و ضروری است.
- در چاله خاک زنده بریز به طوری که وسط چاله یک تپه کوچک از خاک ایجاد کرده باشی.
- متر چاله نباید با خاک پر شود؛ چرا که حلقه‌ای گود هر چند کم عمق (حداقل ۳۰ سانتی‌متر) برای رسیدن آب به ریشه‌ها در اطراف محل کاشت بذر باقی بماند.
- روی تپه کوچک وسط چاله در گوشه‌های یک مثلث فرضی با ضلع ۲۰ سانتی‌متر ۳ نقطه را با فشار انگشت گود کرده و در هر نقطه یک بذر قرار بده تا هر بذر با بذر مقابل ۲۰ سانتی‌متر فاصله داشته باشد.
- روی بذرهای دو برابر قطر بذر خاک بریز، اگر ارتفاع خاک روی بذرهای بیشتر باشد، جوانه‌زنی بذرهای با مشکل مواجه می‌شود.
- با دست به روی تپه کوچک و اطراف چاله ضربه بزن تا با محکم کردن خاک مانع از فرسایش و شسته شدن خاک شوی

آماده‌سازی چاله در مرحله سوم

- اگر زمین شما شیب‌دار است با ایجاد یک پشته کوچک از خاک معمولی به صورت هلالی در پائین چاله، آبگیر کوچکی برای بهره‌مندی بیشتر از روان‌آب‌ها ایجاد کن.
- با قلوه سنگ‌ها روی تپه کوچک، داخل چاله و روی پشته را سنگ چین کن تا مخزنی محکم، بدون فرسایش و محافظ روان‌آب داشته باشی.
- در بارندگی‌های شدید به طور معمول چاله پر می‌شود و ممکن است پشته شکسته شود، پس کمی بالاتر از قطر دایره یک آبراه به عمق ۵ تا ۷ سانتی‌متر ایجاد کن تا آب اضافه پس از پر شدن چاله از بالای آن توسط آبراه تخلیه شود.

- یک تکه سنگ صاف کف آبراه قرار بده به طوری که عمق آبراهه ۵ سانتیمتر باشد تا آب عمق ورودی آبراهه را بیشتر نکند و ارتفاع آبیگری چاله کم نشود
- سطح چاله را با خرده چوب، اندام خشک گیاهان، کاه و کلش یا حتی خرده کاغذ و روزنامه و گونی کنفی پوشش بده. این کار خاک پوشی یا مالچ پاشی نام دارد که باعث حفظ رطوبت خاک و جذب بیشتر آب می شود
- چاله را پر از آب کن و منتظر باش تا آب در دل خاک فرو رود. (البته در بذرکاری، آبیاری پس از کاشت ضروری نیست.)

اقدامات تکمیلی

- یک تکه چوب با ارتفاع کمی بیشتر از نهال در فاصله ۱۰ سانتی متری آن در خاک فرو کن و آن را با نخ به نهال ببند. به این چوب «قیم نهال» می گویند و تا زمانی که نهال قوت گرفته و روی پای خودش بایستد در برابر باد و ضربه محافظت می کند.
- می توانی با حدود سه متر توری فلزی نازک و یک چوب نگهدارنده، دور چاله را محصور کنی تا حیوانات به گیاهان شما آسیب نزنند.
- خاک های باقی مانده را در سطح زمین و در اطراف چاله پخش کن.
- روی خاک های پخش شده در سطح زمین را نیز با خرده چوب و اندام خشک گیاهان، پوشش بده. (با این کار، پوششی برای خاک درست کرده ای که جلوی فرسایش خاک را گرفته و آب را به دل زمین نفوذ می دهد.)
- در صورتی که نهال را در فصل بارندگی ها نکاشته ای باید آن را در فواصل گوناگون آبیاری کنی تا ریشه به صورت کامل در زمین مستقر شود.
- توصیه می کنیم که برای آبیاری هم از «آب خاکستری» استفاده کنی.
- یادت باشد وقتی درخت در حال رشد است، با هرس کردن اصولی، به رشد بهتر و ثمردهی درختان کمک کنی.
- شاخ و برگ های حاصل از هرس را برای ایجاد خاک پوش استفاده کن.

